

# کتابتیں

# از سخنان امام حسن عسکریؑ

تہیہ و تنظیم:  
ابوالقاسم عا

بیان نژادی دامغانی







کتابخانه

جهت تکمیل کتابخانه  
از سخنان امام حسن عسکری

تألیف و تنظیم:  
ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی



سرشناسه	: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: کشتی نجات: چهل حدیث ناب از سخنان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> /
مشخصات نشر	: قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: 978-600-96864-5-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.	
یادداشت	: کتابنامه: [۱۸۵] - ۱۸۸؛ همچنین به صورت زیر نویس
موضوع	: حسن بن علی <small>علیه السلام</small> ، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ ق -- احادیث
موضوع	: Hasan ibn Ali, Imam XI, 846 j 876 -- Hadiths
موضوع	: اربعینات -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
موضوع	: احادیث شیعه -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	: علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ک ۵ م ۵۰ / ۲ / BP
رده بندی دیوبی	: ۲۷۹ / ۹۵۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۲۲۶۳۴

## کشتی نجات

چهل حدیث ناب از سخنان امام حسن عسکری علیه السلام

سلسله مباحث اخلاقی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

صفحه و قطع: ۱۸۸ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۶۴-۵-۲



آدرس ناشر: ایران - قم - خیابان شهدا - کوچه ۲۲

تلفن: ۳۷۷۳۲۴۷۸

فکس: ۳۷۸۴۰۰۹۹

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۷۰۰۰ تومان











## فهرست مطالب

۱۱	۱. مرء و مزاح
۱۵	۲. تواضع و فروتنی در مجالس
۱۹	۳. سرانجام شایعه پراکنی و ریاست طلبی
۲۳	۴. گناه نابخشودنی
۲۷	۵. خطر فراوان ریاکاری
۳۱	۶. اسم اعظم
۳۵	۷. ارتباط نیکان و بدان
۳۹	۸. دو نشانه تواضع
۴۳	۹. خنده بی جا
۴۵	۱۰. یکی از کمر شکن ها
۴۹	۱۱. سفارشات اخلاقی و اجتماعی
۶۱	۱۲. ارزش فوق العاده تفکر و اندیشه
۶۵	۱۳. غضب، کلید شرور
۷۱	۱۴. شیعیان حقیقی کیان اند؟
۷۵	۱۵. کینه توزی
۷۹	۱۶. بهترین ها
۸۳	۱۷. نشانه های مؤمن
۸۷	۱۸. مزرعه زندگی
۹۵	۱۹. تفاوت عاقل و نادان



۲۰. روزی ات ضمانت شده است..... ۹۷
۲۱. عامل عزّت و ذلّت..... ۹۹
۲۲. دوست جاهل..... ۱۰۳
۲۳. اهمّیت ایمان به خدا و کمک به دیگران..... ۱۰۷
۲۴. ثمره نافرمانی فرزند در کودکی..... ۱۱۳
۲۵. بهتر از زندگی و بدتر از مرگ!..... ۱۱۷
۲۶. علاقه ذلیلانه!..... ۱۲۱
۲۷. چگونه اکرام کنیم؟..... ۱۲۷
۲۸. بلا هم نعمت است!..... ۱۳۱
۲۹. موعظه خوب و بد..... ۱۳۵
۳۰. نعمت تواضع و فروتنی..... ۱۳۷
۳۱. ترک عادت شبیه معجزه است..... ۱۴۳
۳۲. اظهار شادی نزد انسان غمگین!..... ۱۴۷
۳۳. زیبایی برون و درون..... ۱۵۱
۳۴. دروغ، کلید همه گناهان..... ۱۵۷
۳۵. بهترین دوست..... ۱۶۱
۳۶. نتیجه ستایش بی جا..... ۱۶۵
۳۷. راه زیاد کردن دوستان..... ۱۶۹
۳۸. برخی از اقدامات امام زمان (عج) پس از ظهور..... ۱۷۳
۳۹. نماز شب، سکوی پرش به سوی خدا..... ۱۷۷
۴۰. خودت و دیگران را به یک چشم نگاه کن..... ۱۸۱



## مقدمه

نشر احادیث و سخنان معصومین علیهم السلام از عصر آن بزرگواران مورد اهتمام شیعیان و پیروانشان عموماً، و علما و دانشمندان خصوصاً بوده، و آن را یک وظیفه می دانستند و بر همین اساس کتاب‌های فراوانی در طول تاریخ به رشته تحریر درآمده است. در این میان، نوشتن چهل حدیث، به دلیل روایات متعددی که بر اهمیت این کار تأکید و توصیه کرده،<sup>۱</sup> برجستگی خاصی داشته و در طول تاریخ بسیاری از بزرگان اقدام به این کار نموده‌اند،<sup>۲</sup> که اربعین مرحوم شیخ بهایی و چهل حدیث امام خمینی علیه السلام از جمله معروف‌ترین آن‌هاست.

---

۱. بخشی از این روایات در «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۱۵۳ به بعد، باب ۲۰، آمده است.  
۲. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب ارزشمند «الذریعة الی تصانیف الشیعة»، ج ۱، ص ۴۰۹-۴۳۴، و ج ۵، ص ۳۱۵، بیش از ۸۰ کتاب چهل حدیث نام برده، که اکثر آن‌ها به عربی نگاشته شده است.

براساس همین سنت حسنه سلف صالح، تصمیم گرفته شد از مباحث اخلاقی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) از هریک از معصومین علیهم السلام چهل حدیث ناب انتخاب و به نام همان معصوم بزرگوار منتشر گردد، تا حضرت استاد و این حقیر نیز مشمول روایات اربعین شده، و خوانندگان محترم از سفره پربرکت کلمات معصومین علیهم السلام بهره مند گردند و همگی در سایه فراگیری و عمل به دستورات آن هادیان صراط مستقیم، سعادت مند و عاقبت به خیر شویم.

درس های اخلاقی حضرت استاد و روایاتی که به شرح تفسیر آن می پردازند دارای ویژگی های متعددی از جمله امور زیر هستند:

۱. بیان معظم له ساده و روان و قابل فهم برای همگان است.
۲. برای مضامین روایات، تحلیل عقلی قابل قبولی ارائه می شود.

۳. ارتباط بین جملات به ظاهر جدای روایات، تبیین می گردد.
۴. در بسیاری از موارد مفهوم روایات توسعه داده شده و معنای گسترده تر و فراگیرتری پیدا می کند.
۵. احادیث به روزرسانی و کاربردی می شود.
۶. پیام های روایات موشکافی و تحلیل شده و شنوندگان و خوانندگان دعوت به آن می شوند.
۷. نکات علمی جدید و جالبی از روایات استخراج می شود.



۸. اگر میان روایت مورد بحث و دیگر روایات یا قواعد مسلم و اصول کلی دین و مذهب، به ظاهر تعارضی وجود داشته باشد، با بیان شیوای استاد برطرف می‌گردد.

۹. طرح مباحث اخلاقی استاد پیرامون روایات مورد بحث، به گونه‌ای زیبا و پرجاذبه است که شنونده مجذوب روایت می‌شود.

۱۰. روی گشاده استاد در پاسخ به اشکالات شاگردان و شنوندگان، حتی در مباحث اخلاقی و حسن انتخاب و سلیقه معظّم له در انتخاب روایات مورد بحث، جلسات دروس اخلاق ایشان را شلوغ‌تر و پرمخاطب‌تر از سایر دروس کرده است.

با مطالعه مباحث اخلاقی معظّم له نکات ده‌گانه فوق را تصدیق خواهید کرد، و با دقت در آن مباحث به نکات دیگری نیز خواهیم رسید.

\*\*\*

مجموعه‌ای که اینک پیش روی شماست چهل حدیث ناب از سخنان امام حسن عسکری علیه السلام است که روزهای چهارشنبه در تاریخ‌های مختلف، در مسجد اعظم توسط حضرت استاد (حفظه الله) بیان شده و پس از تحقیق و تتبع کافی پیرامون مطالب و اسناد آن و ویراستاری لازم، در قالب کنونی در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است.

از خداوند بزرگتر می‌خواهیم که این خدمت کوچک را به لطف

و کرمش از ما قبول کرده، و ذخیره یوم المعادمان قرار داده، و به ما  
و شما توفیق عمل به این روایات ارزشمند را عنایت فرماید.

آمین یا رب العالمین

ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

حوزه علمی قم

۲۲ دی ماه ۱۳۹۵



## مراء و مزاح

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ، وَلَا تُمَارِحُ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ؛ بحث‌های مجادله‌آمیز مکن که شخصیت زیر سؤال می‌رود، و (بی حساب و کتاب) شوخی نکن که سبب جرئت و جسارت دیگران بر ضد تو می‌شود»<sup>۱</sup>.

### تفسیر جدال و مراء

منظور از «مراء» که در روایت فوق آمده، بحث و جدل با دیگران به قصد غلبه بر طرف مقابل است؛ چه حق باشد و چه باطل. این کار، عمل زشتی به شمار می‌رود و به شدت از آن نهی شده است. در حدیثی از وجود مبارک امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ، أَوْ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ لِيُقْبَلَ بِوُجُوهِ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَهُوَ فِي النَّارِ؛ کسی که علمی را فرا بگیرد برای این که در مقابل

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰، ح ۱؛ تحف العقول، ص ۴۸۶.

سفیهان مراء، و در برابر عالمان فخر فروشی کند، و توجّه مردم را به خود جلب (و عوام فریبی) نماید، چنین شخصی در آتش جهنّم خواهد بود.<sup>۱</sup>

بحث و مناظره خوب است، به شرطی که هدف از آن یافتن حقیقت باشد. همان چیزی که قرآن مجید از آن تعبیر به جدال احسن<sup>۲</sup> کرده است. انسان در جدال احسن باید آنقدر شجاعت داشته باشد که هر زمان فهمید حق با طرف مقابل است بدان اقرار کند و حرف او را بپذیرد. همان‌گونه که در مورد بعضی از بزرگان این صفت پسندیده را دیده‌ایم.

فراموش نمی‌کنم هنگامی که مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمد کاظم شیرازی از نجف اشرف به قم آمده بود، با جمعی از دوستان و طلاب جوان از جمله امام موسی صدر خدمت ایشان رسیدیم. در مورد یکی از حواشی مرحوم آخوند خراسانی بر کتاب مکاسب شیخ انصاری رحمته الله بحثی به میان آمد و ایشان دفاع می‌کرد. بحث ادامه پیدا کرد تا جایی که ایشان فرمود: «من بیش از این نمی‌توانم از مرحوم آخوند دفاع کنم» یعنی اشکال شما وارد است. حقیقتاً روح بزرگی می‌خواهد که وقتی بفهمد حق با طرف مقابل است، تسلیم شود. به خصوص اهل علم باید مراقب باشند و در دام مراء و جدال نیفتند.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۳.

۲. نحل، آیه ۱۲۵.



## آثار نامطلوب مراء و جدال:

از برخی روایات استفاده می‌شود که مراء جزء گناهان بزر است.<sup>۱</sup> این گناه آثار نامطلوبی در پی دارد؛ از جمله این‌که گاه حق را در نظر انسان باطل، و باطل را حق جلوه می‌دهد<sup>۲</sup>، که در طول تاریخ نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود. به عنوان مثال به داستان زیر توجه کنید:

در میان فلاسفه قدیم بحثی مطرح بود مبنی بر این‌که آیا «جزء لا یتجزی» داریم یا نه؟ یعنی به جایی برسیم که جزء، قابل تقسیم به دو قسمت نباشد. عده‌ای طرفدار جزء لا یتجزی بودند، و عده‌ای منکر آن شدند.

یکی از ادله منکران، حرکت سنگ آسیاب بود. می‌گفتند: سنگ آسیاب یک نقطه نزدیک به محیط دارد و یک نقطه نزدیک به مرکز. نقطه نزدیک به محیط، بیش از نقطه نزدیک به مرکز حرکت می‌کند. اگر نقطه نزدیک به محیط به مقدار یک جزء لا یتجزی حرکت کند، نقطه نزدیک به مرکز چقدر حرکت خواهد کرد؟ به مقدار آن که نمی‌تواند باشد، پس حتماً نصف آن حرکت می‌کند، بنابراین، جزء

۱. روایات مربوط به مراء را در «میزان الحکمه»، ج ۸، ص ۱۱۷، باب ۳۶۲۸ به بعد، مطالعه فرمایید.

۲. شرح بیشتر در مورد مراء و جدال را در «اخلاق در قرآن»، ج ۳، ص ۲۶۷ به بعد مطالعه فرمایید.

لایتجزی نداریم و در این جا نیز جزء به دو قسمت تقسیم شده است. و اگر بگویید محیط حرکت کرده و مرکز حرکت نکرده است، سنگ می شکند.

طرفداران جزء لایتجزی می گویند: سنگ می شکند و متصل می شود؛ ولی ما این شکستن و اتصال را متوجه نمی شویم! آری! بر اثر اصرار بر یک عقیده باطل، چنین حرف های واضح الفسادی زده می شود و باطل حق جلوه می کند و امور حسی انکار می شود.

### مزاح و شوخی

امام علیه السلام در قسمت دوم روایت به مسئله مزاح و شوخی پرداخته است. شوخی مطلوب است، به شرط رعایت حد و حدودش؛ اما اگر از حدش فراتر رود نامطلوب خواهد بود. اگر شوخی همراه با اهانت، ابتذال، سخنان رکیک، دروغ و تمسخر دیگران باشد جایز نیست؛ چون ممکن است طرف مقابل نیز همین کار را کند و آبرویت را ببرد.<sup>۲</sup>

۱. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۰۴ به بعد (المقصد الثانی، المسألة السادسة)؛ القول السدید، ص ۱۳۲ به بعد.  
 ۲. شرح بیشتر در مورد مزاح و شوخی در کتاب ما «آداب معاشرت در اسلام»، ص ۱۱۵ به بعد آمده است.

## تواضع و فروتنی در مجالس

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ؛ کسی که راضی شود در مکانی که کمتر از مقام و موقعیت اوست بنشیند، تا زمانی که در آن مجلس نشسته، خدا و فرشتگان بر او درود و رحمت می فرستند».<sup>۱</sup>

### تواضع در اسلام

مسأله تواضع در اسلام اهميت فراوانی دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان دین نمونه‌های کامل تواضع و فروتنی بوده‌اند.

خداوند متعال به‌طور مکرر به این مسئله اشاره کرده است؛ گاه

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۱، ح ۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۶.

به مسائل کلی آن پرداخته، و گاه مصادیقش را بیان کرده و به جزئیات آن اشاره نموده است.<sup>۱</sup>

مثلاً از زبان حضرت لقمان خطاب به فرزندش در مورد تواضع و فروتنی در هنگام راه رفتن می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»؛ «و بر زمین با تکبر راه مرو».<sup>۲</sup>

در برخی روایات می‌خوانیم: «امام حسن مجتبی علیه السلام از جایی می‌گذشتند، به بعضی از فقرا رسیدند که بر روی زمین نشسته و سفره غذای ساده خود را پهن کرده و مشغول غذا خوردن بودند. امام علیه السلام در کنار آنها بر روی زمین نشست و با آنها غذا خورد!».<sup>۳</sup>

### آثار تواضع

فروتنی آثار مهمی در فرد و جامعه می‌گذارد.<sup>۴</sup> از جمله آثار آن در فرد آن است که خود را گم نمی‌کند و دچار خودبینی و خودبرتربینی نمی‌شود. صفت رذیله‌ای که سبب می‌شود انسان حتی در برابر خداوند سر تواضع فرود نیآورد.

۱. شرح مسائل مربوط به تکبر و تواضع در قرآن و روایات را در کتاب «اخلاق در قرآن»، ج ۲، ص ۱۹ به بعد مطالعه فرمایید.

۲. اسراء، آیه ۳۷؛ لقمان، آیه ۱۸.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۲، ح ۲۸ (به نقل از سیره چهارده معصوم، ص ۲۹۴).

۴. به بخشی از آثار تواضع در «میزان الحکمه»، ج ۹، ص ۴۰۴، ح ۲۱۸۴۳ به بعد اشاره شده است.



و از جمله آثار آن در جامعه این است که به وحدت و اتحاد و صمیمیت و محبت کمک کرده و تکبر و کینه و حسادت و اختلاف و مشاجره و درگیری را از بین می‌برد. آری، تواضع و فروتنی محبت و صفا و برادری و یکرنگی را به ارمغان می‌آورد.

### رحمت خدا و فرشتگان

تعبیری که در کلام امام حسن عسکری علیه السلام آمده، تعبیر بسیار زیبا و جالبی است: «تواضع، صلوات خدا و فرشتگان را در پی دارد». صلوات خداوند به معنای نزول رحمت، و صلوات فرشتگان به معنای تقاضای نزول رحمت الهی است. آن هم نه یک فرشته، بلکه دعای همه فرشتگان، و دعای فرشتگان از جمله دعاهاى اجابت‌شدنی است. به راستی چقدر این دستور، زیبا و چقدر آن آثار مهم است. انسان بر اثر تواضع کوچک نمی‌شود، همان‌گونه که تکبر سبب بزرگی وی نمی‌گردد، بلکه تواضع موجب بزرگی، و تکبر باعث حقارت وی می‌شود.

حقیقتاً دین اسلام آئین کاملی است و در مورد همه جزئیات برنامه دارد. به عنوان نمونه در روایتی می‌خوانیم: «اسلام هفتاد و چند شعبه دارد که مهم‌ترین آن توحید و کمترین آن برداشتن موانع از سر راه مسلمانان است».<sup>۱</sup> باید به چنین دینی افتخار کرد.

۱. عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۴۳۱. روایت مذکور با کمی تفاوت در «صحیح مسلم»، ج ۱، کتاب الایمان، باب ۱۲، ح ۵۸، و «مسند احمد»، ج ۲، ص ۳۷۹، نیز آمده است.



## سرانجام شایعه پراکنی و ریاست طلبی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «إِيَّاكَ وَ الْإِذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرُّئَاسَةِ فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ؛ از افشاگری و ریاست طلبی بپرهیزید، که این دو صفت زشت انسان را به سوی هلاکت و نابودی سوق می دهد»<sup>۱</sup>.

### اذاعه چیست؟

#### ۱. شایعه پراکنی

یک احتمال آن همان چیزی است که در زمان ما از آن تعبیر به افشاگری می کنند. چیزی که اولاً ثابت نیست و ثانیاً بر فرض ثبوت، چون جزء اسرار مردم است نباید فاش شود. کاری که متأسفانه امروزه رواج پیدا کرده، و گاه به عنوان افشاگری انجام می شود. در برخی از روزنامه‌ها افراد را متهم می کنند، بعد معلوم می شود ثابت

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۱، ح ۴؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

نبوده و واقعیت نداشته است. باید به طور جدی از این کار پرهیز کرد، چون در بسیاری از موارد سبب آبروریزی افراد می شود. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد یکی از همسران آن حضرت شایعه ای پخش کردند، که خداوند متعال به شدت با آن برخورد کرد و به شایعه سازان هشدار داد. در آیه شریفه ۱۹ سوره نور می خوانیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجْتُمُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ «به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شایع شود برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است؛ و خداوند می داند و شما نمی دانید». بنابراین، این نوع افشاگری ها حرام است.

گاهی برخی از رسانه ها مسائل غیر واقعی را منتشر کرده و آلوده شایعه پراکنی می شوند و این شایعه ها دست قاضی را می بندد. چون قاضی تحقیق می کند و اتهام مورد نظر به اثبات نمی رسد یا در آن گستره ای که مطرح شده ثابت نمی شود و صادر کردن حکم واقعی با توجه به جوّ به وجود آمده توسط رسانه ها، مشکل می شود و گاه حکم واقعی تغییر می کند و مسئولیت آن برعهده شایعه سازان است.

## ۲. ترک تقیّه

معنای دیگر اذاعه این است که عقاید باطنی را نزد کسانی که انسان های خطرناکی هستند بیان کند، بدون این که اثر مهمی داشته



باشد. این همان چیزی است که نام آن را «تقیّه» می‌گذاریم. قرآن و روایات به صراحت از اذاعه به این معنا نیز نهی کرده و مسلمانان را سفارش به تقیّه می‌کنند.<sup>۱</sup>

نه تنها شیعه که همه مسلمانان، بلکه همه مردم دنیا تقیّه را قبول دارند. در جایی که اظهار عقیده خطر دارد و فایده‌ای بر آن مترتب نیست و جان یا مال یا آبرو یا ناموس انسان به خطر می‌افتد هیچ عقلی اجازه اذاعه و اظهار نظر نمی‌دهد.

در سوره غافر، خداوند از مؤمن آل فرعون به دلیل کتمان ایمانش، به نیکی یاد می‌کند،<sup>۲</sup> چراکه او با عمل به تقیّه و ترک اذاعه جان خود و حضرت موسی علیه السلام را نجات داد. اگر ایمانش را کتمان نمی‌کرد موفق به حفظ جان خود و آن پیامبر خدا نمی‌شد.

### تقیّه، قانونی همگانی

همان‌گونه که گفته شد تقیّه اختصاص به شیعه ندارد و برخلاف ادعاهای وهابی‌های کم‌اطلاع، همه مسلمانان، بلکه همه مردم دنیا به نوعی تقیّه می‌کنند. ولذا تمام سربازها و نیروهای نظامی لباس‌های خود و تجهیزات نظامی را هم‌رنگ محیط می‌کنند. در

۱. شرح مسائل مربوط به این موضوع را در کتاب «القواعد الفقهیّه»، ج ۱، ص ۳۶۷ به بعد و کتاب «تقیّه و حفظ نیروها» مطالعه بفرمایید.

۲. غافر، آیه ۲۸.

اداره‌ها و سازمان‌ها نیز تمام نامه‌های مهم را با مهر سرّی و محرمانه ممهور می‌کنند، که خود نوعی تقیّه است.

### ریاست طلبی

امام حسن عسکری علیه السلام در دومین جمله، ما را از ریاست طلبی بر حذر می‌دارد. عشق به ریاست و مقام سبب می‌شود که انسان دین و آبرو و شخصیت و وجدان، و گاه ممکن است همه چیزش را از دست بدهد.

آری، شایعه‌پراکنی، ترک تقیّه، ریاست طلبی و حبّ مقام، از صفات رذیله است و انسان را به سمت هلاکت سوق می‌دهد. بنابراین، تمام صاحبان مقام، مقام را به عنوان امانت الهی و خدمت به خلق بخواهند تا نه تنها خطری برای شخصیت و دین آن‌ها ایجاد نکند، که ذخیره‌ای برای آخرتشان باشد.

\*\*\*

## گناه نابخشودنی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ لِيَتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا؛ از جمله گناهان نابخشودنی گناهی است که صاحب آن بگوید: ای کاش گناه من همین باشد»<sup>۱</sup>.  
 مثلاً کسی مشغول غیبت است، هنگامی که به او گفته می‌شود: «غیبت نکن» می‌گوید: «ای کاش گناه من همین بود» یا در کوچه و خیابان زن بدحجابی را با زبان خوش نهی از منکر می‌کنیم می‌گوید: «ای کاش خداوند فقط به خاطر همین گناه مرا مجازات کند!».

### چرا نابخشودنی است؟

علت این که چنین گناهی نابخشودنی است، دو مطلب می‌تواند باشد:

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۱، ح ۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

۱. گناه را نباید تنها نسبت به شخص عاصی در نظر گرفت، بلکه باید آن را نسبت به کسی که نافرمانی اش صورت می‌گیرد ملاحظه کرد. هرچه آن‌کس و الامقام‌تر و بزرگ‌تر باشد، تخلف و عصیان بزرگ‌تر خواهد بود و انسان چون به هنگام گناه، نافرمانی خدایی را می‌کند که فوق‌العاده بزرگ و بالاست و همه چیز به انسان داده، کوچک‌ترین گناه نیز بزرگ محسوب می‌شود. بنابراین، هیچ گناهی را نباید کوچک شمرد که این کار سبک شمردن مقام والای ربوبی است.

۲. انسان از جایی ضربه می‌خورد که اهمیتی به آن نمی‌دهد. اگر دشمنان متعددی داری که برای برخی از آن‌ها حسابی باز نمی‌کنی، از همان‌ها آسیب خواهی دید. معاصی و گناهانی هم که مورد بی‌اعتنایی انسان قرار گیرد و بال‌گردن انسان خواهد شد، لذا هیچ گناهی را نباید دست‌کم گرفت.

#### علل اهمیّت ندادن به برخی گناهان

یکی از علل آن، عمومیت و شیوع گناه در میان مردم است. به‌عنوان مثال وقتی به غیبت‌کننده گفته می‌شود: «غیبت نکن، این کار حرام است» می‌گوید: «چه کسی غیبت نمی‌کند؟!» درحقیقت شیوع و گسترش گناه سبب حقارت و کوچکی آن در نزد انجام‌دهنده آن می‌شود و هنگامی که گناه کوچک شد، فاعل آن می‌گوید: ای کاش گناه من همین بود.



سرچشمه دیگر آن، تحت تأثیر فرهنگ بیگانه واقع شدن است. عده‌ای هنگامی که نگاه به فرهنگ بیگانگان می‌کنند مرعوب آن شده و مطابق آن عمل کرده و در نتیجه به نافرمانی خداوند می‌پردازند. مثلاً در سفرهای خارجی مشاهده می‌کند که مرز محرم و نامحرم شکسته شده و زن و مرد نامحرم به یکدیگر دست می‌دهند، او نیز آلوده این گناه می‌شود.

در حالی که نباید در فرهنگ دیگران ذوب شویم؛ بلکه باید فرهنگ خود را حفظ کرده و با ادب و منطق به آن‌ها بگوییم: «فرهنگ و دین ما اجازه این کار را نمی‌دهد» تا حمل بر بی‌ادبی نکنند و به تدریج این فرهنگ برای آن‌ها جا بیفتد.

عامل دیگر، معمول شدن گناه در میان خانواده‌هاست. برخی گناهان در میان برخی خانواده رایج شده، لذا به راحتی آن را انجام داده و توجهی به آن نمی‌کنند.

به هر حال باید مراقب باشیم و در مورد همه گناهان حساسیت نشان دهیم و توجه کنیم که گناه نافرمانی خداست و نافرمانی خدا به هر شکلی باشد کار بسیار زشتی است.

\*\*\*



## خطر فراوان ریاکاری

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «الْإِشْرَاكُ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ؛ رِیَاكَارِی دَر بَیْنِ مَرْدَمٍ اَز حَرَكَتِ مَوْرِچَهٗ سِیَاهِ بَر رُوی رُویِش مَشْکِی مَخْفِی تَر اَسْت»<sup>۱</sup>.

شبهه این روایت از سایر معصومین علیهم السلام<sup>۲</sup> و حتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله<sup>۳</sup> نیز نقل شده است. در روایتی به جای «المسح الاسود» «الصخرة الصماء»<sup>۴</sup> آمده است.

یعنی همان‌گونه که حرکت مورچه بر روی سنگ سخت، اثری از خود به جا نمی‌گذارد، مگر این‌که با دقت بسیار زیاد بررسی شود، شرک نیز بر قلب و روح انسان اثر نامرئی و بسیار مخفی و پنهانی

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۱، ح ۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

۲. بخشی از این روایات در «میزان الحکمه»، ج ۴، ص ۴۰۶، باب ۱۹۷۷ آمده است.

۳. همان.

۴. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۸، ص ۱۳۵.

می‌گذارد. بنابراین، باید بسیار مراقب اعمالمان باشیم تا خدایی  
ناکرده آلوده به شرک و ریا نشود.

داستان آن شخص، معروف است که سالیانی دراز به‌طور مرتب  
در صف اول نماز جماعت شرکت می‌کرد. روزی به مسجد که آمد  
در صف‌های جلو جا نبود و به‌ناچار در صف عقب ایستاد؛ لذا  
احساس ناراحتی کرد.

گویند: این شخص تمام نمازهای سی ساله‌ای را که به جماعت  
خوانده بود قضا کرد چون احساس نمود که تمام آن نمازها برای  
ریا و خودنمایی بوده و لااقل رگه‌هایی از ریا در آن وجود داشته  
است!<sup>۱</sup> نتیجه این که ریا بسیار مخفی و پنهان است.

### فلسفه و اهمیت فراوان ترک ریا

در روایات ما به شدت از ریا مذمت شده<sup>۲</sup> و برای ریاکار  
مجازات‌های شدیدی بیان گردیده است.<sup>۳</sup>

تا آن‌جا که طبق برخی روایات، به شخص ریاکار «مشرک» اطلاق  
شده است.<sup>۴</sup> یعنی چنین شخصی در زمره مشرکان قرار می‌گیرد.

۱. المراقبات، ص ۲۸۶.

۲. بخشی از این روایات در «وسایل الشیعه»، ج ۱، ص ۵۱ به بعد، باب ۱۲ آمده است.

۳. شرح این مطلب را در «میزان الحکمه»، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۱۴۱۷ و ۱۴۱۸ مطالعه  
فرمایید.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۷.

**سؤال:** چرا اینقدر ریا مورد مذمت قرار گرفته است؟

**جواب:** دلیل آن این است که این گناه کبیره و صفت رذیله، مهم‌ترین اصل اعتقادی را نشانه گرفته و به توحید ضربه می‌زند. شراب‌خواری گناه بزرگی است؛ ولی ممکن است کسی در عین حالی که موحد است آلوده این گناه شود. غیبت، از گناهان کبیره محسوب می‌شود و مجازات سختی دارد؛ اما لطمه‌ای به توحید نمی‌زند. ولی مشرک و ریاکار، که برای غیر خدا کار می‌کند، به توحیدش لطمه وارد می‌شود، چراکه خدا را رها کرده و برای غیر او کار می‌کند. چنین شخصی عزت و ذلت را به دست غیر خدا دانسته و او را مؤثر می‌شمرد و این شرک محسوب می‌شود. بنابراین، فلسفه اهمیت زیادی که در معارف دینی به ریا داده شده این است که به توحید لطمه می‌زند.

### **اعمال ریاکار تهی است**

ریاکاری اعمال انسان را از محتوا خالی می‌کند، چون ریاکار فقط به ظاهر پرداخته، و کاری به باطن ندارد. در برخی از مناطق زلزله‌زده ساختمان‌های نوساز ویران شد، اما مساجدی که صدها سال قبل ساخته شده بود خراب نشد. چون مردم در ساخت بناهای مذهبی، با اخلاص کار کرده و تنها به ظاهر توجه ندارند. ولی در ساختمان‌های دیگر فقط به فکر ظاهر آن هستند و توجهی

به استحکام آن ندارند. نتیجه این که ریاکاری به توحید لطمه زده  
واعمال انسان را تهی و بی مغز می کند.

\*\*\*

## اسم اعظم

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَزْدِيكَ تَرِ اسْتِ بِه اسْمِ اعْظَمِ خِداوند از سیاهی چشم به سفیدی آن».<sup>۱</sup>

معنای این روایت، که از برخی دیگر از معصومین علیهم السلام نیز شبیه یا عین آن نقل شده،<sup>۲</sup> این است که همان‌گونه که سیاهی چشم متصل به سفیدی آن است، بسم الله الرحمن الرحيم نیز متصل به اسم اعظم است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۱، ح ۶؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

۲. شبیه این روایت در بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۳۳، ح ۱۲، و ص ۱۶۲، ح ۴۱، و ج ۹۳، ص ۲۲۳، ح ۱ از امام رضا علیه السلام و عین آن در بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۲۴، ح ۱ از امام حسن عسکری علیه السلام و ص ۲۳۲، ح ۴ از امام رضا علیه السلام نقل شده است.



### نام‌های سه‌گانه خداوند

سه نام از نام‌های مهمّ خداوند متعال در بسم الله الرحمن الرحيم جمع شده است:

۱. «الله»؛ که جامع جمیع صفات الهی است. هریک از نام‌های خداوند اشاره به جنبه‌ای از صفات وی دارد؛ اما «الله» جامع جمیع صفات خداوند است و هیچ اسمی این جامعیت را ندارد.

۲. «رحمان»؛ این نام اشاره به رحمت عامّ خداوند است که شامل مسلمان و غیر مسلمان، بلکه انسان و غیر انسان می‌شود؛ آفتاب که می‌تابد همه موجودات از نورش استفاده می‌کنند؛ مسلمان و کافر از باران بهره می‌گیرند؛ برکات زمین اختصاص به مسلمانان ندارد؛ چشم و گوش و قلب و دیگر اعضای بدن، که از نعمت‌های مهمّ الهی به شمار می‌رود، از جمله رحمت عامّ خداوند محسوب می‌شود که در اختیار کافر و مسلمان هر دو قرار دارد. بنابراین رحمان، رحمت عامّ خداوند است.

۳. «رحیم»؛ این نام بیانگر رحمت اختصاصی پروردگار نسبت به مؤمنان است. نورانیت و صفا و محبوبیتی که خداوند به برخی از مؤمنان می‌دهد از همین صفت نشأت می‌گیرد.

### باء بسم الله

ما با استعانت جستن از خداوند رحیمی که رحمتش اختصاص

به مؤمنان دارد و خداوند رحمانی که مسلمان و غیر مسلمان مشمول رحمتش می‌شوند و «الله» که جامع جمیع صفات کمال است، کارهای خود را شروع می‌کنیم. ابن عباس می‌گوید: «شبی خدمت امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام رسیدم. حضرت شروع به تفسیر باء بسم الله کرد. بحث حضرت تا اذان صبح ادامه یافت، اما هنوز تفسیر باء تمام نشده بود!»<sup>۱</sup>

از این روایت استفاده می‌شود که نکات فراوانی در استعانت از خدا نهفته است.

### اسم اعظم

اسم اعظم تنها یک لفظ نیست که اگر گفته شود آثار عظیم آن ظاهر گردد، بلکه تخلّق به مفهوم و مضمون آن لفظ و هماهنگ شدن با آن است. اگر پرتوی از رحمانیت خداوند و رحیمیت او در وجود ما ظاهر شود، به همان نسبت به اسم اعظم دست یافته‌ایم. و البته تخلّق به اسم اعظم آثار و برکات مهمی دارد، تا آن‌جا که وزیر حضرت سلیمان علیه السلام، که متخلّق به آن بود، در چشم برهم زدنی تخت بلقیس را از جنوبی‌ترین نقطه جزیره العرب به شمالی‌ترین قسمت آن منتقل کرد. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه آورده‌ایم.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹، ذیل آیه اول سوره حمد.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۴۹۶ به بعد، ذیل آیه ۴۰ سوره نمل.

از خداوند می‌خواهیم که روزبه‌روز توفیق تخلُّق بیشتر به  
صفات الله را به ما عنایت کرده، و پرتوی از صفات جلال و جمالش  
را در وجودمان آشکار سازد!

\*\*\*

## ارتباط نیکان و بدان

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلْأَبْرَارِ وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ؛ علاقه نیکان نسبت به نیکان، ثوابی است برای نیکان، و دوست داشتن بدان نسبت به ابرار، فضیلتی برای ابرار محسوب می شود و بغض و عداوت فجّار نسبت به ابرار، مایه زینت آنهاست، و عداوت ابرار نسبت به فجّار، سبب خواری آنها خواهد شد»<sup>۱</sup>.

### روابط چهارگانه

امام حسن عسکری علیه السلام در این روایت زیبا، از چهار نوع رابطه و آثار و ثمرات آن سخن گفته است، توجه بفرمایید:

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۸؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

### ۱. عشق نیکان به نیکان

اولین ارتباطی که در این حدیث به آن پرداخته شده، علاقه نیکان به یکدیگر است. امام علیه السلام می‌فرماید: این ارتباط و علاقه موجب می‌شود که خداوند متعال برای نیکان ثوابی منظور فرماید.

### ۲. عشق فجّار به نیکان

رابطه دوم، که در این حدیث مطرح شده، علاقه بدان به خوبان است. این علاقه، فضیلت و ارزشی برای خوبان محسوب می‌شود، چراکه خوبی خوبان آنقدر جاذبه دارد که بدان را هم وادار به خضوع قلبی و محبت درونی می‌کند. به همین علت اگر بدان بخواهند چیز ارزشمندی را به کسی بسپارند به سراغ هم‌مسلمان خود نمی‌روند، بلکه شخص امینی از ابرار را برای این کار برمی‌گزینند. یا اگر بخواهند همسری برای خود یا فرزندان یا نزدیکان و بستگان خود انتخاب کنند به سراغ نیکان می‌روند.

### ۳. عداوت بدان نسبت به خوبان

امام یازدهم علیه السلام در سومین جمله، عداوت فجّار را نسبت به خوبان، مایه زینت آنها می‌داند، چون مردم می‌فهمند که این عداوت به سبب کارهای زشتی است که آنها انجام داده، و ابرار از

آن فاصله گرفته‌اند، ولذا گفته شده است: «همین افتخار برای من بس که بدان مرا مذمت می‌کنند».<sup>۱</sup>

#### ۴. عداوت خوبان نسبت به بدان

چهارمین ارتباط، عداوت و دشمنی خوبان نسبت به فجّار است. امام علیه السلام این عکس العمل را سبب خواری و آبروریزی بدان می‌داند، چون این عداوت در ذهن مردم سؤال ایجاد می‌کند که این شخص، آلوده چه گناه یا گناهایی است که فلان انسان خوب، نسبت به او بغض دارد؟

#### ابرار در قرآن و سنت

در هر چهار صورت ابرار و نیکان برنده‌اند، ولذا باید سعی کنیم جزء ابرار باشیم. همان ابراری که خداوند در هجده آیه از سوره دهر در وصفشان سخن گفته است. هرچند خمسۀ طیّبه والاترین مصداق این آیات هستند، ولی شامل سایر ابرار نیز می‌شود. با توجه به آثار فراوان «خوبی» چرا بعضی از مردم به سراغش نمی‌روند؟

۱. این مطلب از شعر ابوالطیب المتنبی استفاده شده که می‌گوید:

و اذا اتتك مذمتی من ناقص فهی الشهادة لی بانی کامل

(دیوان المتنبی، ص ۱۴۷)

به قول شاعر:

صد بار بدی کردی و دیدی ثمرش را  
نیکی چه بدی داشت که یک بار نکردی  
خداوندا! به ما توفیق بده از بدی‌ها دوری کرده و در صف ابرار  
در آییم.

\*\*\*



## دو نشانه تواضع

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مِنَ التَّوَّاضِعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرْفِ الْمَجْلِسِ؛ از جمله نشانه‌های فروتنی، سلام کردن به هر کسی است که به او برخورد می‌کنی، و راضی شدن به نشستن در مکانی که جایگاه خاص نیست»<sup>۱</sup>.

### اهمیت تواضع

تکبر، عامل رانده شدن شیطان از درگاه الهی شد<sup>۲</sup> و ریشه تمام انحرافات است، ولذا ما در کتاب اخلاق در قرآن از تکبر شروع کردیم. این رذیله زشت اخلاقی آثار سوئی دارد، از جمله سبب دور شدن دل‌ها از یکدیگر، عداوت‌ها، کینه‌ها، و دشمنی‌ها می‌شود. نقطه مقابل آن، تواضع و فروتنی است که اهمیت فوق‌العاده‌ای

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۹؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۱۵، باب ۳۳۷۶، ح ۱۷۳۲۳.

دارد. این فضیلت زیبای اخلاقی، محبت و دوستی و اتحاد و همکاری را به دنبال دارد.

تواضع راهکارهایی دارد که در سوره لقمان به قسمت‌هایی از آن اشاره شده است. در مورد تواضع و آثار آن<sup>۱</sup> و تکبر و آثارش<sup>۲</sup> مطالب فراوانی در کلمات حضرات معصومین علیهم السلام، به ویژه خطبه قاصعه امیر مؤمنان علی علیه السلام (خطبه ۱۹۲) بیان شده است.

### متکبر دیوانه است!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جایی می‌گذشت. عده‌ای را مشاهده کرد که گرداگرد شخصی جمع شده و به او می‌خندند! حضرت پرسید: او کیست؟ گفتند: انسان دیوانه‌ای است که با کارهای غیر عاقلانه‌اش ما را می‌خنداند. حضرت فرمود: او دیوانه نیست؛ بلکه بیمار است. سپس فرمود: «إِنَّ الْمَجْنُونَ حَقَّ الْمَجْنُونَ الْمُتَبَخَّرُ فِي مَشِيئِهِ النَّاطِرُ فِي عَطْفِيهِ الْمُحَرِّكُ جَنَبِيهِ بِمَنْكِبِيهِ فَذَاكَ الْمَجْنُونُ وَ هَذَا الْمُبْتَلَى؛ دیوانه حقیقی کسی است که هنگام راه رفتن با تکبر راه می‌رود و به این سمت و آن سمت نگاه می‌کند و شانه‌هایش را موقع راه رفتن تکان می‌دهد. چنین انسانی دیوانه است و آن شخص بیمار است».<sup>۳</sup>

۱. شرح روایات مربوط به تواضع را در «میزان الحکمه»، ج ۹، ص ۳۹۹ به بعد، مطالعه فرمایید.

۲. شرح روایات مربوط به تکبر را در «میزان الحکمه»، ج ۷، ص ۴۱۵ به بعد مطالعه فرمایید.

۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۱، باب ۵۷۸، ح ۲۸۲۷.

و در ادامه روایت فرمود: «دیوانه کسی است که امیدی به خیر او نیست و مردم از شرش در امان نیستند».<sup>۱</sup>  
بنابراین، انسان عاقل تکبر نمی‌ورزد و اهل تواضع و فروتنی است.

### سلام، نشانه تواضع

امام حسن عسکری علیه السلام سلام کردن را نشانه تواضع می‌داند؛ ولی متأسفانه برخی در سلام کردن بخل می‌ورزند؛ یا مقیدند کوچک‌تر به بزرگ‌تر، جوان به پیر، جاهل به عالم سلام کند، در حالی که اسلام می‌گوید: بالادستان به پایین‌دستان سلام کنند، و لذا سفارش شده که سواره به پیاده سلام کند.<sup>۲</sup>

سلام تحیت اهل بهشت است «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ».<sup>۳</sup>  
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به همه، حتی کودکان سلام می‌کرد<sup>۴</sup> و همگان، به ویژه اهل علم باید از این سنت آن حضرت پیروی کنند.  
با سلام کردن محبت دیگران را به خود جلب کنیم. در سال‌های دور یکی از اهل علم که مخالف کارهای نو و تازه، از جمله انتشار

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۳۳، ح ۳۲.

۲. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۶، باب ۱۸۷۳، ح ۹۰۳۳.

۳. ابراهیم، آیه ۲۳.

۴. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۵، باب ۱۸۷۳، ح ۹۰۳۲.

مجله مکتب اسلام بود، هر وقت مرا از دور می دید راهش را کج می کرد که با من روبه رو نشود. من نیز عمداً تغییر مسیر داده به سمت او رفته و به وی سلام می کردم! این کار سبب شد به تدریج تغییر رفتار دهد و با هم دوست شویم.

\*\*\*

## خنده بی جا

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ»<sup>۱</sup> یکی از نشانه‌های نادانی، خنده بی جاست».

### جامعیت اسلام

شکی نیست که اسلام برنامه‌ای جامع برای تمام لحظات زندگی انسان دارد؛ حتی برای خنده و تبسم. و این مطلب یکی از نشانه‌های ابدیت و شمول و فراگیری آیین فطری اسلام است.

### خنده در روایات اسلامی

روایت متعددی درباره خنده داریم.<sup>۲</sup> در روایتی می‌خوانیم که

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۱۰؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

۲. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۵۸، باب ۱۰۶.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ؛<sup>۱</sup> لبخند مسلمان در برخورد با دیگر مسلمانان حسنه محسوب می شود».

یعنی مسلمان نباید اخمو و بداخلاق باشد و به هنگام ملاقات با دیگران رو ترش کند، بلکه باید خوشرو و متبسم باشد.

اخلاق مسلمان باید جاذبه داشته باشد نه دافعه. البته خندیدن حد و مرزی دارد؛ مثلاً در حدیثی در مورد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است: «كَانَ ضِحْكُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله التَّبَسُّمَ؛ خنده پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم بود».<sup>۲</sup>

تبسم خنده ملایم بی سر و صداست و ابهت انسان را خدشه دار نمی کند چراکه در حدیث دیگری می خوانیم: «خنده زیاد ابهت انسان را می کاهد».<sup>۳</sup>

بنابراین، انسان باید ادب و وقارش را با ترک خنده های پر سروصدا حفظ کند.

مطلب دیگر این که انسان نباید بی جهت بخندد. خنده بی جهت طبق حدیث بالا نشانه نادانی است. نتیجه این که اسلام اخمو بودن را نمی پسندد و توصیه به تبسم و خوشرویی می کند، ولی در عین حال از خنده های پر سروصدا و بی علت، که منافات با شخصیت انسان دارد، نهی می کند.

۱. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۹۷، باب ۲۳۳۰، ح ۱۱۱۳۳.

۲. همان، ح ۱۱۱۲۹.

۳. همان، ص ۱۹۸، باب ۲۳۳۱، ح ۱۱۱۴۳.

## یکی از کمرشکن‌ها

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظُّهْرَ جَارٌ  
 اِنْ رَأَى حَسَنَةً أَخْفَاهَا وَ اِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا؛ از جمله شکننده‌هایی  
 که کمر انسان را می‌شکند همسایه‌ای است که اگر کار خوبی از انسان  
 ببیند آن را پنهان کرده، و اگر کار بدی مشاهده کند آن را افشا می‌کند».<sup>۱</sup>

### همسایه در تعلیمات دینی

همسایه در تعلیمات دینی جایگاه خاصی دارد. حضرت  
 علی علیه السلام در وصیت‌نامه‌اش، که معمولاً به مسائل بسیار مهم پرداخته  
 می‌شود، درباره همسایه فرمود: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ  
 نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورَثُهُمْ؛ خدا را خدا را! که  
 در مورد همسایگان خود خوش رفتاری کنید، چرا که آنان مورد  
 توصیه پیامبر شما هستند. وی همواره نسبت به همسایگان سفارش

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۱۱؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.



می فرمود تا آنجا که ما گمان بردیم به زودی سهمیه‌ای از ارث برایشان قرار خواهد داد.<sup>۱</sup>

معنای حدیث این است که همسایه در حدّ خویشاوند است؛ در حالی که در فرهنگ مادی جایگاهی ندارد. ممکن است همسایه‌ها سالیان درازی در کنار هم زندگی کنند؛ اما از همدیگر خبر نداشته باشند.

### اسلام آیین اجتماعی

اسلام جامعه بشری را مجموعه‌ای مرتبط با هم می‌داند، نه جدای از هم، لذا درباره همسایه سفارش می‌کند. اگر همسایه هنگام نیاز، به کمک همسایه‌اش بشتابد و در زمان بیماری از او عیادت کند، و به هنگام غیبتش مراقب خانواده‌اش باشد و هیچ‌گاه او را تنها نگذارد و این فرهنگ رواج پیدا کند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

در جامعه مادی، هرچند جسم مردم در کنار یکدیگر است، اما روح آن‌ها تنهاست؛ ولی در جامعه اسلامی مردم نباید احساس تنهایی کنند. اگر دین ما این قدر نسبت به صلّه رحم سفارش می‌کند، اگر در مورد همسایه این قدر تأکید دارد، اگر جایگاه برادر مؤمن را والا می‌داند و کمک به او را ارج می‌نهد، همه و همه به دلیل روح اجتماعی اسلام است.

۱. نهج البلاغه، ج ۳، نامه ۴۷، ص ۱۳۲.

ابان بن تغلب می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام در حال طواف بودم که یکی از دوستانم از من خواست برای انجام کاری همراه او بروم. امام پرسید: چه کار داشت؟ عرض کردم: حاجتی داشت که به او وعده دادم پس از اتمام طواف انجام دهم. امام فرمود: طواف را رها کن، حاجت برادر مؤمنت را برآور، سپس از همان جا که طواف را قطع کرده‌ای ادامه بده!<sup>۱</sup>

### اول همسایه بعد خانه

این‌که در روایات اسلامی به کسانی که قصد خرید خانه دارند سفارش شده در مورد همسایه‌ای که قرار است داشته باشند تحقیق کنند (الْجَوَارُ ثُمَّ الدَّارُ) نشانه دیگری درباره اهمیت همسایه از دیدگاه اسلام است.<sup>۲</sup>

سزاوار است در جامعه اسلامی، مسلمانان از همسایه‌های خود خبر داشته باشند و به یکدیگر کمک کنند که آثار مهمی دارد. نقل شده که قرار بود خداوند قومی را عذاب کند، اما از مجازات آن‌ها صرف نظر کرد. هنگامی که پرسیدند علت برطرف شدن عذاب الهی چه بود؟ گفته شد: این قوم به همسایه‌هایشان رسیدگی می‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب الطواف، باب ۴۱، ص ۴۴۸، ح ۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۸۰، باب ۶۴۸، ح ۳۱۷۰.

۳. شبیه این روایت در «نهج الفصاحه»، ص ۳۰۲، ح ۷۲۸ آمده است (ان الله تعالی ليدفع بالمسلم الصالح عن مائة اهل بيت من جيرانه البلاء).

### کشورهای همسایه

حسن هم‌جواری و رعایت حال همسایه اختصاص به همسایه‌های متعارف ندارد، بلکه شامل روستاها، شهرها و کشورهای همسایه نیز می‌شود.

کشورها نیز باید رعایت حال کشورهای همسایه خود را کرده، و از اذیت و آزار آنها اجتناب ورزند.

اگر کشوری خوبی‌های کشور همسایه خود را بیوشاند و عیوبش را افشا کند، چنین همسایه‌ای نیز کمرشکن است.

بدتر از این، همسایه‌ای است که کارهای نکرده را به همسایه‌اش نسبت دهد و به او تهمت بزند. همان‌کاری که وهابی‌ها نسبت به شیعیان انجام می‌دهند. از جمله تهمت‌هایی که می‌زنند دفن اموات در مساجد شیعه است، ولذا به پیروان خود می‌گویند: در مساجد شیعه نماز نخوانید. در حالی که ما دفن اموات را در مساجد حرام می‌دانیم. البته گاه قبرستان متروکه‌ای است که امکان دفن اموات در حال و آینده در آن نیست که آن را تبدیل به مسجد می‌کنند که در این جا نیز اموات قبل از آن که آن جا مسجد شود در آن دفن شده‌اند.

به هر حال، طبق سفارشات اسلام، باید حقوق همسایگان را رعایت کنیم و خوبی‌های آنها را منتشر ساخته و عیوبشان را بیوشانیم.

\*\*\*

## سفارشات اخلاقی و اجتماعی

روایت مورد بحث، یک روایت طولانی است که آن را به چهار بخش تقسیم کرده‌ایم. امام حسن عسکری علیه السلام در بخش اول این حدیث فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الْإِحْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ؛ شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی، و ورع در دین، و خلوص نیت، و راستگویی، و ادای امانت به کسی که شما را امین قرار داده، خواه نیکوکار باشد یا فاجر، و سجده طولانی، و حسن جوار نسبت به همسایه».<sup>۱</sup>

امام یازدهم علیه السلام در این بخش درباره هفت برنامه سفارش کرده، که اگر عملی شود، دنیا گلستان شده، و امنیت و آرامش همه جا را می‌گیرد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۱۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۷.

### ۱. تقوا

اولین سفارش حضرت تقواست. برای پیشگیری از گناه دو عامل لازم است: یکی عامل بیرونی، مانند نیروهای انتظامی و دستگاه قضایی و بازرسان مختلف که جلوی جرم را می‌گیرند، و دیگری عامل درونی که نامش تقواست و تا این عامل درونی نباشد عامل بیرونی تأثیری نخواهد داشت و هرچه قانون وضع شود آن را دور می‌زنند و قوانین وسیله‌ای می‌شود برای سوء استفاده اغنیا و زورمندان، ولذا ملاحظه می‌کنیم که امروزه قوانین بین‌المللی عاملی است در دست زورمندان برای کوبیدن ضعیفان. پس حالت خداترسی و پرهیز از گناه را که از درون می‌جوشد تقوا می‌گویند. همان چیزی که در همه جا به آن توصیه شده<sup>۱</sup> و ریشه تمام اصلاحات است.

### ۲. ورع

امام علیه السلام سپس نسبت به ورع توصیه می‌کند. برخی تفاوت ورع با تقوا را در این می‌دانند که تقوا پرهیز از گناهان مسلم و قطعی است و ورع پرهیز از شبهات.

۱. شرح آیات و روایات مربوط به تقوا را در «میزان الحکمه»، ج ۹، ص ۴۹۷ به بعد مطالعه فرمایید.

بنابراین، نه تنها نباید به سراغ گناهان قطعی رفت، که باید از شبهات نیز پرهیز کرد.

### ۳. خلوص نیت

سومین توصیه امام حسن عسکری علیه السلام خلوص نیت است. یعنی تلاش و کوشش انسان فقط برای خدا باشد؛ چراکه انسان با ریاکاری و ظاهرسازی و عوام‌فریبی به جایی نمی‌رسد. پس انسان عاقل فقط برای رضای خدا کار می‌کند.

### ۴. راستگویی

سفارش بعدی امام علیه السلام پرهیز از دروغ است؛ زیرا این کار عامل بسیاری از گناهان است. تقلب، غیبت، تهمت، غش در معامله و مانند آن با دروغ انجام می‌شود. بنابراین، اگر دروغ برچیده شود این قبیل گناهان نیز از جامعه رخت می‌بندد.

راستگویی و ادای امانت در برنامه همه انبیا بوده است، ولذا امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛ خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث به رسالت نکرد مگر این‌که به صداقت در گفتار و ادای امانت نسبت به نیک و بد سفارش کرد».<sup>۱</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۷، ح ۲۱.

**۵. ادای امانت**

امانت‌داری پنجمین سفارش امام یازدهم علیه السلام به مسلمانان است. امانت را محدود نکنیم به این که کسی پولی نزد ما به امانت بگذارد؛ بلکه تمام مواهب الهی امانتی است نزد ما: قرآن، ولایت، اهل بیت علیهم السلام، نظام اسلامی، فرزندان و ماندن آن همگی امانات الهی هستند که باید حق آن ادا شود. جالب این که ادای امانت جزء حقوق بشر است، ولذا تفاوتی نمی‌کند که امانت از نیکوکار باشد یا فاجر؛ در هر حال باید آن را به صاحبش بازگرداند.

**۶. طول سجده**

بهترین حالت بنده نسبت به خدا، حالت سجده است. به همین علت سفارش شده که سجده‌ها را طولانی کنید<sup>۱</sup> تا بیشتر به خدا نزدیک شوید.

**۷. حسن جوار**

آخرین سفارش امام علیه السلام در این روایت، رعایت حال همسایگان است. نسبت به همسایه، چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان، باید حسن جوار داشته باشیم. همسایه گاه همسایه‌ی خانه به‌خانه است

۱. روایات مذکور را می‌توانید در «وسائل الشیعه»، ج ۴، ص ۹۷۸ به بعد، باب ۲۳، مطالعه فرمایید.



و گاه شهر به شهر و گاه مملکت به مملکت و (همان گونه که گذشت) در مورد همه آنها حسن جوار باید رعایت شود.

### سفارش به وحدت و پرهیز از اختلاف

در بخش دوم روایت فرمودند: «صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُدُّوا مَرَضَاهُمْ وَ اَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ اَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِيٌّ فَيَسْرُتُنِي ذَلِكَ؛ با آنها (اهل سنت) نماز بخوانید و در تشییع جنازه امواتشان شرکت کنید و از بیمارانشان عیادت نمایید و حقوقشان را ادا کنید. چون هریک از شما هنگامی که در دینش ورع داشته باشد و راستگو باشد و ادای امانت کند و با مردم خوش اخلاق باشد می گویند: او شیعه است، و من از این بابت خوشحال می شوم».<sup>۱</sup>

از قرائن استفاده می شود که منظور امام علیه السلام برخورد شیعیان با اهل سنت است و حضرت دستور مدارا با آنها را صادر می کند و گویا می فرماید: شیعه بودن، ادعایی نیست، بلکه باید با عمل نشان داد. این مطلب همان چیزی است که امام صادق علیه السلام نیز به آن

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲؛ ح ۱۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۷. شبیه این حدیث از امام صادق علیه السلام در کتاب «وسائل الشیعه»، ج ۵، ص ۴۷۷، ح ۱ نیز نقل شده است.

اشاره می کند، آن جا که فرمود: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ با عملتان مردم را به اسلام دعوت کنید».<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در حقیقت دو دستور مهم به شیعیان می دهد:

۱. باید کاری کنند که وحدت مسلمین به هم نخورد. افراطی گری هرگز مورد قبول ائمه علیهم السلام نبوده است. البته حساب ناصبی ها و دشمنان اهل بیت علیهم السلام جداست؛ ولی با کسانی که این گونه نیستند باید به خوبی رفتار کرد.

۲. شیعه بودن را با عمل ترویج کنید. با برنامه های عالی و عملی ثابت کنید که مکتب امیر مؤمنان علیه السلام والا است و این، پیام عملی بسیار مهمی است.

#### مایه زینت و افتخار ما باشید

در بخش سوم حدیث می خوانیم: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ اذْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ؛ تقوای الهی پیشه کنید و زینت ما باشید و عیب و ننگ ما نباشید. محبت ها و مودت ها را به سوی ما سرازیر کنید و زشتی ها را با کردارتان از ما

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴.

دور سازید؛ چراکه هرچه از نیکی‌ها درمورد ما بگویند ما اهل و شایسته آن هستیم و هرچه از زشتی‌ها گفته شود از آن دوریم.<sup>۱</sup> مضمون این روایت در کلام امام صادق علیه السلام<sup>۲</sup> و معصومین دیگر علیهم السلام<sup>۳</sup> نیز آمده است و خلاصه آن این است که با عمل و کردارتان برای پیشوایان کسب آبرو کنید، چون اعمال شما به حساب رهبرانتان نوشته می‌شود و می‌تواند مایه آبروی آن‌ها گردد. در این جا یک نکته مهم روانشناسی هست که امروزه به آن رسیده‌اند و این روایات اشاره به آن است و آن این‌که: شنونده زمانی حرف گوینده را باور می‌کند که بداند گوینده خود به آن حرف ایمان دارد و اگر احتمال دهد که در دل قبول ندارد و ظاهرسازی می‌کند به آن عمل نمی‌نماید و هنگامی می‌فهمد گوینده حرفش را باور دارد که ببیند به آن عمل می‌کند و اگر عمل نکند معلوم می‌شود آن را باور ندارد.

به‌عنوان مثال: اگر درمورد انقلاب اسلامی به جهانیان نشان دهیم که برکاتش چیست و اثرات عملی آن و تأثیرات فرهنگی و اخلاقی آن را در معرض دید بگذاریم، انقلاب عملاً به جهان صادر می‌شود.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۱۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۸.

۲. به کتاب «میزان الحکمة»، ج ۴، ص ۵۵۱، باب ۲۱۲۸، ح ۱۰۱۲۸ به بعد مراجعه شود.

۳. همان.

این که می‌گوییم تکفیری‌ها بلایی برای اسلام و مسلمین هستند، به این علت است که این‌ها مایه زشتی و سرافکنندگی اسلام و مسلمین‌اند و این که می‌گوییم همه علمای اسلام از آن‌ها بیزارى و براءت بجویند برای این است که همه بدانند این‌ها از اسلام نیستند.

رفتار اهل علم نیز در میان خانواده و فامیل تأثیرگذار است و اگر اخلاق خوب اسلامی داشته باشند همه تشویق می‌شوند، و لذا اهل علم به این سفارش امام حسن عسکری علیه السلام و عمل به آن شایسته‌ترند و باعث گرایش مردم به دین خدا می‌شوند، همان‌گونه که رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با اهل مکه باعث شد که مردم گروه گروه به اسلام پیوندند.<sup>۱</sup>

### سفارشات چهارگانه

در بخش پایانی روایت چنین آمده است: «أَكْثُرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ

۱. هنگامی که مکه به دست ارتش اسلام فتح شد، و مسلمانان سرافراز، مشرکان سرشکسته را به اسارت گرفتند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان صدیقش با دیدن مخالفان و دشمنان اسلام، به‌ویژه سران شرک و نفاق، به یاد تمام آزارها و اذیت‌ها و شکنجه‌های آن‌ها افتادند، و منتظر انتقامی سخت از سوی مسلمانان بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن‌ها پرسید: چه انتظاری دارید؟ گفتند: «أنت أخ کریم وابن أخ کریم؛ تو، هم خودت بزرگواری و هم بزرگوار زاده‌ای» ما جز عفو و بخشش انتظاری از تو نداریم. حضرت فرمود: «أذهبوا أتم الطلقاء؛ بروید همه شما را بخشیدم» (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۰۶ و ۱۳۵) این برخورد کریمانه پیامبر صلی الله علیه و آله سبب جذب مشرکان به سوی اسلام شد.

الْمُوتِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ أَحْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَ اسْتَوْدِعُوا اللَّهَ وَ أَقْرَأُوا عَلَيْكُمْ السَّلَامَ؛ زیاد به یاد خدا و به فکر مر باشید، و فراوان قرآن را تلاوت کنید، و بر پیامبر و آلش علیهم السلام درود بفرستید، چرا که صلوات بر رسول خدا ده حسنه دارد. سفارش‌هایی را که به شما کردم به خاطر داشته باشید و شما را به خداوند می‌سپارم، و بر شما درود می‌فرستم»<sup>۱</sup>.

امام یازدهم علیه السلام در این بخش از روایت درباره چهار چیز سفارش کرده است:

### ۱. یاد خدا

ذکر خدا فواید و آثار فراوانی دارد، از جمله:

الف) سبب آرامش و اطمینان می‌شود؛ همان‌گونه که در قرآن مجید می‌خوانیم: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۲</sup> انسانی که دائماً به فکر خداست احساس تنهایی نمی‌کند و همواره خداوند را در کنار خویش حس می‌کند. چنین انسانی، هرچند کوهی از مشکلات در برابرش قرار گیرد، نه تنها دست به خودکشی نمی‌زند، بلکه به آن فکر هم نمی‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۲، ح ۱۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۸.

۲. رعد، آیه ۲۸.

ب) سبب ترک گناهان می شود؛ اگر خداوند را ناظر و حاضر بدانیم، اگر ایمان داشته باشیم که تمام عالم محضر خداست، امکان ندارد آلوده گناه شویم. بنابراین ذکر الله مانع گناه است.

ج) تشویق به کارهای خوب می شود؛ هنگامی که انسان به یاد خدا؛ باشد به فکر کارهای خوب می افتد و زمانی که به کارهای خوب فکر کند به سراغ آنها می رود و انجام می دهد.

د) انسان را از شیاطین دور می کند؛ یاد خدا انسان را از کارهای زشت و عوامل آن، یعنی شیطان و هوای نفس دور می سازد، زیرا هنگامی که وقت انسان با ذکر الله پر شد به سراغ مهملات و سخنان ناروا نمی رود. ذکر الله برکات دیگری هم دارد که در این جا به همین مقدار قناعت می کنیم، ولذا توصیه شده که زیاد به یاد خدا باشیم.

## ۲. فکر مرگ

دومین سفارش امام یازدهم علیه السلام این است که زیاد به یاد مر باشیم. برخلاف بعضی از مردم که از ذکر مر وحشت داشته، و از آن متنفرند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «كَيْفَ عَفَلْتُكُمْ عَمَّا لَيْسَ يُعْفَلُكُمْ؛ چگونه از مر غافل می مانید در حالی که او از شما غفلت نمی کند؟!»<sup>۱</sup>

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۲، ص ۲۹۰، خطبه ۱۸۸.

اگر انسان در همه چیز شک کند در این شک نمی‌کند که روزی باید بمیرد. بعضی به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا هرگز نمی‌میرند. این‌ها از یاد مرغافل‌اند. حقیقت این است که ما در این دنیا مسافریم، ولذا حضرت علی علیه السلام خطاب به اموات فرمود: «أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبِعٌ لَاحِقٌ»<sup>۱</sup> شما در این راه بر ما پیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد.

نتیجه این که ذکر مرغ نیز انسان را تربیت می‌کند.

### ۳. تلاوت قرآن

قرآن همیشه چیز تازه دارد، ولذا هرچه بیشتر آن را تلاوت کنیم مطالب تازه‌تری به دست خواهیم آورد. قرآن مجید مصداق بارز آیه زیر است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلَاهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾؛ «آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد».<sup>۲</sup>

آری، قرآن مجید همچون درخت تنومندی است که همیشه میوه

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۳، ص ۲۷۰، ح ۱۳۰.

۲. ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵.

دارد به شرط آنکه انسان آن را تلاوت کند و در آیات آن تدبّر و تفکر نماید. در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که یک آیه قرآن مسیر زندگی‌شان را تغییر داد.<sup>۱</sup> یکی از آنها فضیل بن عیاض است.<sup>۲</sup>

#### ۴. صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام

آخرین توصیه امام حسن عسکری علیه السلام زیاد صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پاک آن حضرت است. صلوات بر آن حضرت برکات فراوانی دارد،<sup>۳</sup> از جمله این‌که گره مشکلات را می‌گشاید و انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌کند و موجب قبولی دعا می‌شود. بدین علت امام سجّاد علیه السلام در بسیاری از دعاهای صحیفه سجّادیه از جمله دعای مکارم الاخلاق فقرات دعا را با صلوات شروع کرده است.

\* \* \*

۱. نمونه‌هایی از نفوذ و جاذبه بی‌نظیر قرآن را در کتاب «پیام قرآن»، ج ۸، ص ۸۷ به بعد مطالعه فرمایید.

۲. شرح حال او در «تفسیر نمونه»، ج ۲۳، ص ۳۵۸، ذیل آیه ۱۶ سوره حدید آمده است.

۳. روایات مربوط به صلوات در «میزان الحکمة»، ج ۵، ص ۱۵۷، باب ۲۲۸۸، ح ۱۰۹۴۱ به بعد آمده است.



## ارزش فوق العاده تفکر و اندیشه

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛ پرستش خداوند (تنها) به نماز و روزه زیاد نیست، بلکه اندیشه زیاد در امر خداوند است».<sup>۱</sup>

### جسم و روح عبادت

عبادات همانند انسان‌ها دارای روح و جسم‌اند و همان‌گونه که اهمیت انسان به روح اوست و جسم بی‌روح ارزشی ندارد، اهمیت عبادت نیز به روح آن است و جسم بی‌روح آن ارزش چندانی ندارد. جسم نماز همان قیام و قعود و رکوع و سجده است، اما روح آن تفکر در اسرار نماز و حضور قلب است. عبادت بدون تفکر همانند جسم بی‌جان است که هرچند اسقاط تکلیف می‌کند، ولی

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۳؛ تحف العقول، ص ۴۸۸.

آن آثار مهم، نظیر قرب الی الله، معراج مؤمن، نهی از فحشاء و منکرات و مانند آن را ندارد این مطلب به قدری مهم است که امام علیه السلام عبادت بدون تفکر و حضور قلب را عبادت نمی داند.

### معجزه اسلام

این نوع روایات، که تشویق به تفکر و اندیشه می کند، حقیقتاً معجزه محسوب می شود؛ زیرا در محیطی که اندیشیدن ارزشی نداشت و مردم برای این مطلب مهم و حیاتی، اهمیتی قائل نبودند این گونه روایات نوعی اعجاز به شمار می رود.

### تفکر در چه چیز؟

سؤال: منظور از «امر الله» که تفکر در آن مورد تأکید قرار گرفته چیست؟

جواب: دو احتمال وجود دارد:

۱. منظور تفکر در اوامر تشریحیه الهیه است. یعنی در اوامر الهی، نظیر امر به نماز و روزه و حج و جهاد و مانند آن بیندیشید و به اسرار و فلسفه آن فکر کنید تا تنها جسم عبادات را به جا نیاورید، بلکه به روح و عمق و جان آن هم برسید.
۲. احتمال دیگر این که منظور از «امر» اوامر تکوینیه است همان گونه که در آیه شریفه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ»

فَيْكُونُ<sup>۱</sup>، به این معنا آمده است. یعنی در مورد نظام آفرینش باید اندیشه کرد که اگر انسان بخواهد به معرفت الهی برسد باید در این امور فکر کند و گرنه به جایی نمی‌رسد.

به عنوان مثال: گاه انسان در مقابل درخت سپیداری می‌نشیند که ارتفاع آن به حدود بیست متر می‌رسد. به این مطلب فکر می‌کند که چه نیرویی برخلاف نیروی جاذبه، آب مورد نیاز درخت را از زمین، به ارتفاع بیست متری رسانده و تمام شاخ و برگ آن را سیراب می‌کند؟!

چه قدرتی آب مذکور را که با موادِ نیروزای خاک آمیخته شده تبدیل به میوه‌های زیبا و خوشمزه و خوشبو و معطر می‌کند؟! باغی را در نظر بگیرید که درختان مختلف و میوه‌های متفاوتی دارد. به‌راستی چه قدرتی از آب و خاک و هوا و نور واحد، در این قطعه باغ، درختان مختلف و میوه‌های متفاوت، با عطر و رنگ و اندازه و طعم مختلف آفریده است؟!

آیا جز خداوند عالم قادرِ حکیم، کسی قادر بر این کار هست؟! هنگامی که انسان کمال آفریننده را درک کرد عاشقش می‌شود و زمانی که عاشق او شد سر به فرمانش می‌نهد.

\*\*\*



## غضب، کلید شرور

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ خشم و غضب کلید تمام بدی‌هاست».<sup>۱</sup>

### گناهان کلیدی!

روایت فوق از برخی دیگر از امامان معصوم علیهم السلام نیز نقل شده است.<sup>۲</sup>

گناهانی که انسان مرتکب می‌شود متفاوت است. بعضی از گناهان کلید گناهان دیگر نیست و معصیت دیگری در پی ندارد، یا اگر باشد کلید گناهان کمی است؛ مانند ریاکاری که کلید گناهان زیادی نیست. اما برخی از گناهان کلید گناهان زیادی است،

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۳۰، به نقل از امام کاظم علیه السلام و ج ۷۳، ص ۲۶۳، ح ۴، و ص ۲۶۶، ح ۱۷، و ص ۲۷۴، ح ۲۴، به نقل از امام صادق علیه السلام.

از جمله حسادت، که شخص حسود بر اثر آن کارهای خلاف زیادی مرتکب می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان از ظلم و ستم و غیبت و تهمت و دروغ و مانند آن نام برد.

دروغ نیز از گناهان کلیدی است<sup>۱</sup>، چون انسان دروغگو حق را باطل و باطل را حق می‌کند؛ ظالم را مظلوم و مظلوم را ظالم جلوه می‌دهد؛ خوب را بد و بد را خوب معرفی می‌کند.

یکی دیگر از گناهان کلیدی شرب خمر است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ أَشْرًا مِنَ الشَّرَابِ الْكُذِبُ؛ خداوند متعال برای کارهای زشت و حرام قفل‌هایی قرار داده است و کلید آن قفل‌ها را شراب قرار داده است و دروغ از شرب خمر بدتر است»<sup>۲</sup>.

در روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «جُمِعَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ شُرْبُ الخَمْرِ؛ تمام شرور در خانه‌ای نهاده شده (قفلی بر آن زده‌اند) و کلید آن شرب خمر است»<sup>۳</sup>.

و در حدیث سومی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «الْخَمْرُ جِمَاعُ الْإِثْمِ وَ أُمُّ الْخَبَائِثِ وَ مِفْتَاحُ الشَّرِّ؛ شراب، جامع تمام گناهان و ریشه همه خبائث و کلید تمام شرور است»<sup>۴</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، ح ۴.

۲. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۵۰، باب ۱۱۳۳، ح ۵۳۶۶.

۳. همان، ص ۱۴۹، باب ۱۱۳۳، ح ۵۳۶۴.

۴. همان، ح ۵۳۶۳.

چراکه وقتی انسان شراب بخورد قفل عقل می‌شکند و هنگامی که قفل عقل شکست مرتکب انواع گناهان می‌شود، زیرا ممکن است در حال مستی مرتکب اعمال منافی عفت، ظلم، جنایت، قتل و غارت و دیگر کارهای زشت شود. بنابراین، شرب خمر از گناهان کلیدی است.

یکی دیگر از گناهان کلیدی غضب است. غضب نیز قفل عقل را می‌شکند و امکان دارد انسان در آن حالت دست به هر گناهی بزند. از جمله گناهایی که ممکن است در حال غضب آلوده آن شود، ظلم و دروغ و فحاشی و - العیاذ بالله - سخنان کفرآمیز است، لذا علمای علم اخلاق گفته‌اند: در حال خشم و غضب تصمیم به انجام کاری نگیرید و اقدام به تنبیه کسی نکنید، چون منتهی به شرمندگی و بدبختی می‌شود. گاه در حال غضب کاری می‌کند که تا آخر عمر باید کفاره‌اش را بدهد. بدین علت کظم غیظ بسیار مهم و مورد سفارش اکید است.

خشم و غضب بسیار خطرناک است، همچون شعله آتشی است که همه چیز را می‌سوزاند. و چقدر خوب است که انسان مسلط بر نفس باشد و حتی سالی یک بار هم غضبناک و خشمگین نشود. خداوند متعال در آیه ۳۷ سوره شورا می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»؛ «همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند».

آیه قبل در مورد مؤمنان و توکل بر خداست و در آیه مورد بحث سخن از اجتناب از کبائر الاثم و فواحش، به ویژه غضب به میان آمده است. این مطلب نشان می‌دهد که غضب در میان گناهان کبیره اهمیت خاصی دارد و در آیه بعد در مورد دعا و نماز و مشورت و انفاق، سخن به میان آمده است. یعنی افرادی باید مورد مشورت قرار گیرند که خشمگین و غضبناک نباشند و مسلط بر نفس خویش باشند، چراکه به هنگام خشم، شیطان بسیار به انسان نزدیک است و سرچشمه بسیاری از پرونده‌های دادگستری خشم و غضب است.

### توصیه شیطان به حضرت نوح علیه السلام<sup>۱</sup>

پس از پایان گرفتن طوفان و هلاکت تمام مشرکان و بت پرستان، روزی شیطان خدمت نوح علیه السلام رسید و عرض کرد: به من خدمتی کرده‌ای، من نیز می‌خواهم به پاس آن کار، به تو خدمتی کنم! حضرت نوح علیه السلام با تعجب پرسید: چه خدمتی؟ گفت: این جمعیتی که نفرین کردی و نابود شدند و همچنین نسل آنها را، شب و روز می‌بایست و سوسه می‌کردم و زحمت می‌کشیدم تا هدایت نشوند. اکنون که هلاک شدند تا مدتی آسوده‌ام!

۱. روایات در مورد مطالب و مضامینی که ابلیس لعین به عنوان نصیحت به حضرت نوح علیه السلام گفت، مختلف است. و آنچه ذکر شد یک نمونه از آن است. سایر روایات را می‌توانید در بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۸ و ۲۹۳ مطالعه فرمایید.



حضرت نوح علیه السلام (گویا اطمینان نداشت غذای معنوی ای که شیطان می خواهد به او بدهد غذای مناسبی باشد، ولذا آماده شنیدن سخنان او نبود. به همین علت خطاب آمد که نصایحش را بشنو!)<sup>۱</sup> فرمود: چه خدمتی می خواهی به من بکنی؟ شیطان گفت: در سه جا به یاد من باش که در آن سه حالت خیلی به بندگان خدا نزدیکم:  
 ۱. «أذْكَرُنِي إِذَا غَضِبْتُ؛ به هنگام خشم و غضب به یاد من باش (که بسیار به تو نزدیکم)».

بسیاری از قهرها، نزاعها، طلاقها، گناهان و مانند آن، هنگام خشم و عصبانیت پایه ریزی می شود.<sup>۲</sup> و لذا توصیه شده که هنگام عصبانیت و غضب هیچ تصمیمی نگیرید و سخن نگویند، و از آن مکان خارج شوید و حالتان را تغییر دهید، یعنی مثلاً اگر نشسته‌اید بایستید و اگر ایستاده‌اید بنشینید، تا عصبانیت فروکش کند.<sup>۳</sup>  
 خشم و غضب آن قدر نکوهیده است که نوعی جنون محسوب می شود. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدُمُ، فَإِنْ لَمْ يَنْدُمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ؛ تند خویی و عصبانیت نوعی جنون و دیوانگی است؛ چراکه صاحبش پشیمان می شود و اگر پشیمان نشود دلیل بر آن

۱. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۲۱۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۱۹، باب ۳۰۲۵.

۳. به میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۲۵، باب ۳۰۳۴ (دواء الغضب) مراجعه فرمایید.

است که جنونش مستحکم است!». <sup>۱</sup>

بنابراین، هنگام غضب باید مراقب وسوسه‌های شیطان بود.  
 ۲. «وَأَذْكُرُنِي إِذَا حَكَمْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ؛ به هنگام قضاوت بین دو نفر  
 (نیز) به یاد من باشد».

هرچند قضاوت در عصر و زمان ما واجب کفایی است و کسانی که واجد شرایط لازم هستند باید متصدی این امر شوند؛ اما باید مراقب خطرات آن، از جمله وسوسه‌های شیطان باشند که در چنین حالتی به انسان بسیار نزدیک است و ممکن است وی را از مرز عدالت خارج کند. اموری همچون خویشاندی و رفاقت و همکاری بودن و هم‌حزب بودن و مانند آن، یا خدای ناکرده رشوه و امتیازات ویژه و شبیه آن، باعث نشود که قاضی به ناحق قضاوت کند.

۳. «وَأَذْكُرُنِي إِذَا كُنْتَ مَعَ امْرَأَةٍ خَالِيًا لَيْسَ مَعَكُمْ أَحَدٌ؛<sup>۲</sup> و به هنگامی که با زن تنهایی خلوت کرده‌ای و هیچ کس غیر از شما دو نفر در آن جا نیست (نیز) به یاد من باش».

ارتباطات تلفنی با جنس مخالف، چت کردن با نامحرم و خلاصه هرگونه خلوت با نامحرم، مشمول این روایت می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۲۵۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۸، ح ۲۰.

۳. توصیف شیطان به حضرت نوح علیه السلام از کتاب زندگی پرماجرای نوح، ص ۲۲۷ و ۲۲۸ نقل شده است.

## شیعیان حقیقی کیان اند؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «وَشِيعَتُنَا الْفِئَةُ النَّاجِيَةُ وَالْفِرْقَةُ الزَّائِكِيَّةُ وَصَارُوا لَنَا رِدْءًا وَصَوْنًا وَعَلَى الظُّلْمَةِ أَلْبَاءٌ وَعَوْنًا وَسَيَنْفَجِرُ لَهُمْ يَتَابِعُ الْحَيَوَانَ بَعْدَ لَطَى الثِّيْرَانِ؛ شیعیان ما گروهی اهل نجات و جمعیتی پاکیزه‌اند، حافظ مکتب ما و در برابر ظالمان یار و یاور ما هستند. به زودی چشمه‌های آب حیات در برابر آنها ظاهر می‌شود، پس از آن که آتش سوزان در برابرشان قرار گرفت»<sup>۱</sup>.

### نکات سه‌گانه

- در این حدیث شریف بر سه نکته تأکید شده است:
۱. تعریف و تمجید بسیار خوبی از شیعه شده، و به بهترین اوصاف مورد ستایش قرار گرفته‌اند.
  ۲. صفات و ویژگی‌های شیعیان بیان شده است، از جمله این‌که

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۵، ح ۵۰؛ مسند الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۸۹، ح ۶۰.

شیعه باید حافظ مکتب باشد و در برابر ظالمان و ستمگران یار و یاور امامان علیهم السلام باشد.

۳. به پاداش شیعیانی که واجد آن صفات اند و به وظایفشان عمل می کنند اشاره شده، که به زودی به چشمه آب حیات می رسند که ممکن است به ظهور حضرت ولی عصر (عج) اشاره داشته باشد.

### شیعه بودن به چیست؟

شیعه بودن، تنها به توسل و عزاداری و اظهار عشق به اهل بیت علیهم السلام نیست، هرچند همه اینها لازم است.

شیعه باید حافظ مکتب باشد. عمل و سخنش، برنامه های مادی و معنوی اش و همه حرکات و سکناتش به استحکام مکتب منتهی شود. در مقابل دشمنان سکوت نکند و به شبهات آنان پاسخ دهد. خداوند متعال می فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»؛ «اعراب بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، هنوز ایمان وارد قلوب شما نشده است».<sup>۱</sup>

بنابراین، ایمان به زبان و به صرف ادعا نیست، بلکه باید در قلب و روح انسان ریشه بدواند. اگر در دل رسوخ کند، آثارش در تمام اعضا و جوارح انسان ظهور پیدا می کند.

۱. حجرات، آیه ۱۳.

شیعه اهل بیت علیهم السلام بودن نیز چنین است، تنها زبانی نیست؛ بلکه ولایت آن بزرگواران باید در دل باشد تا آثار آن در همه وجودمان آشکار شود. چقدر افرادی هستند که ادعای شیعه بودن دارند اما زندگی شان آبروی شیعه را می برد. این همه طلاق و تقلب و رشوه خواری و کم فروشی و بی حجابی و بدحجابی و بداخلاقی و مانند آن با شیعه بودن سازگار نیست. آری، اگر شیعه واقعی باشیم چشمه های حیات در برابرمان ظاهر خواهد شد.

### آب حیات!

طبق برخی از روایات، آیه شریفه: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؛ «بگو: به من خبر دهید اگر آب های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می دهد؟!». <sup>۱</sup> در مورد حضرت مهدی علیه السلام است <sup>۲</sup> و این نشان می دهد که آن حضرت آب حیات است. تشبیه به آب بسیار مهم است، چون حیات تمام موجودات از آب است. و <sup>۳</sup> بدن ما انسان ها را آب تشکیل می دهد و آفرینش ما انسان ها نیز از آب نشأت گرفته است. و همان طور که بشر نیازمند آب است، نیازمند

۱. ملک، آیه ۳۰.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۴۸، ح ۱۰۹۳۷.

ظهور حضرت مهدی (عج) نیز هست، چراکه «الْعَدْلُ حَيَاةٌ؛ عدالت مایه حیات و زندگی است»<sup>۱</sup>.

و عدالت واقعی بدون ظهور آن حضرت امکان پذیر نیست  
مشروط بر این که ما شیعیان عون و یاور آن حضرت باشیم.

### چگونگی حمایت از دین و ولایت

گاه کاری انجام می دهیم و تصور می کنیم که حمایت از دین و ولایت است، در حالی که چنین نیست. بدگویی و حرف های زشت و رکیک گفتن به مذاهب دیگر، حمایت نیست، بلکه مایه انشقاق و تفرقه بین مسلمین و خوشحالی دشمنان است. کاری نکنیم که امام زمان (عج) همچون جد بزرگوارش امام علی علیه السلام از تفرقه و از هم گسیختگی دوستان و مسلمانان، و اتحاد و یکپارچگی دشمنان به درگاه الهی شکوه کنند. توجه داشته باشیم که هرچقدر خودمان را اصلاح کنیم، به همان نسبت به ظهور حضرت کمک کرده ایم، و به هر مقدار که آلوده شویم، ممکن است به همان نسبت ظهور حضرت را به تأخیر بیندازیم.

\*\*\*

۱. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۸، باب ۲۵۰۶، ح ۱۲۱۱۴.

## کینه توزی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْحُقُودُ؛ انسان کینه‌توز از همه مردم استراحتش کمتر است».<sup>۱</sup>

### معنای حقود

«حقود» از «حقد» به معنای کینه است. انسان کینه‌توز و کینه‌جو و کینه‌دار را حقود می‌گویند که از همه مردم ناراحت‌تر است. برخی از مردم بدی‌های دیگران را زود فراموش می‌کنند، اما عده‌ای این‌گونه نیستند، بلکه آن را در خزانه قلبشان حفظ می‌کنند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «شخص مؤمن ممکن است در مجلس از کسی ناراحت شود و کینه‌اش را به دل بگیرد، ولی از آن جلسه که خارج شد آن را فراموش می‌کند، اما انسان بی‌ایمان چنین نیست و سالیان دراز آن را فراموش نمی‌کند».<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۷؛ تحف العقول، ص ۴۸۸.

۲. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۴۰۴، باب ۸۸۲، ح ۴۲۲۳.

### سرچشمه‌های کینه

کینه و حقد سرچشمه‌های مختلفی دارد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

#### ۱. حسادت

حسادت یکی از سرچشمه‌های کینه است، و لذا حقد و حسادت را با هم ذکر می‌کنند. به عنوان مثال: به دوستش می‌نگرد که پله‌های علم و دانش را یکی پس از دیگری طی کرده و به درجات بالایی رسیده است، و لذا کینه او را به دل می‌گیرد و درصدد از بین بردن موقعیت او برمی‌آید. در حالی که انسان عاقل به جای حسادت و این‌گونه تلاش‌های منفی، به فکر بالا بردن پایه‌های علمی خود می‌افتد.

#### ۲. سوءظن

بدبینی از دیگر عوامل کینه‌توزی است. انسان بدبین شخص مورد سوء ظن را دشمن خود پنداشته، و عداوتش را به دل گرفته، و کینه‌اش را در سینه می‌پروراند.

#### ۳. رعایت نکردن آداب

گاه ترک بعضی از آداب و مستحبات سبب کینه‌توزی می‌شود. مانند این‌که هنگام بیماری دوستان مان به عیادتش نرفتیم، یا از سفر



برگشت و ما به استقبالش نشتافتیم، یا در مجلس عروسی فرزندش شرکت نکردیم، ولذا کینه ما را به دل می‌گیرد.

### کینه و بیماری‌های روانی

کینه یکی از عوامل بیماری‌های روانی است، ولذا گفته‌اند که کینه‌ها را از سینه‌ها بشوید؛ حتی اگر خلاف مهمی بوده باید عفو و گذشت کرد.

یکی از صفات عرب جاهلی همین کینه‌توزی بود که بسیار وسیع و گسترده و ریشه‌دار بود. به گونه‌ای که آن را به ارث می‌گذاشتند و به فرزندانشان سفارش می‌کردند کینه‌ای را که از فلان شخص یا قبیله داشتند آن‌ها نیز داشته باشند.

### پیامدهای کینه‌توزی

کینه‌توزی، سرچشمه اختلافات، نزاع‌ها و بسیاری از پرونده‌های قضایی است که با ترک آن بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

بنابراین، باید تلاش کنیم کینه‌ها را از سینه‌ها بزدایم تا هم خودمان راحت باشیم و هم دیگران از شر کینه‌های ما در امان باشند.

\*\*\*



## بهترین‌ها

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «أَوْزَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ؛ باورع‌ترین و متقی‌ترین مردم کسی است که از شبهات خودداری کند و آلوده آن نشود، و عابدترین مردم کسی است که واجباتش را به‌جا آورد. زاهدترین مردم کسی است که به سراغ کارهای حرام نرود و سخت‌کوش‌ترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند».<sup>۱</sup>

### چهار مفهوم والا

امام یازدهم علیه السلام طبق این روایت ارزشمند، به چهار مفهوم بسیار مهم پرداخته است؛ ورع، که بالاترین مقام تقواست؛ عبادت، زهد،

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۸؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

و اجتهاد و اطاعت خداوند. سپس راه وصول به این مقامات والا را نشان می‌دهد.

### ۱. راه رسیدن به اوج قلّه ورع

امام علیه السلام راه دستیابی به بالاترین مراحل ورع و تقوا را پرهیز از شبهات معرفی کرده است. اگر انسان احتمال می‌دهد این مقام نامشروع است، یا فلان مال حرام است، یا فلان مجلس آلوده است، از آن اجتناب کند؛ چون هنگامی که از شبهات دوری کرد، آلوده به حرام نمی‌شود. و اگر آلوده شبهات شد، مرتکب محرمات نیز می‌شود چراکه شبهات حریم محرمات است. و محرمات منطقه ممنوعه‌ای دارد که نباید به آن نزدیک شد (أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَحَارِمُهُ)<sup>۱</sup>.

عرب‌ها منطقه ممنوعه را «حمی» می‌گویند. در مناطق مرزی قبل از خطّ مرزی منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که ورود به آن جایز نیست، چون اگر وارد منطقه ممنوعه شوند از خطّ مرزی نیز می‌گذرند. بنابراین، همه مردم، به ویژه اهل علم به اجتناب از محرمات قناعت نکنند بلکه و به سراغ شبهات نیز نروند.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۱۷.

۲. روایات مربوط به این موضوع را در میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۵۹ به بعد، ح ۹۲۷۳ تا ۹۳۰۱ مطالعه فرمایید.

## ۲. راه رسیدن به اوج قلّه عبادت

کسانی می‌توانند عابدترین مردم باشند که واجبات را انجام دهند. تصوّر نکنید که عبادت فقط نماز و روزه است، بلکه تمام واجبات عبادت محسوب می‌شود. امریه معروف و نهی از منکر و ارشاد جاهل و تنبیه غافل<sup>۱</sup> و مانند آن، همه عبادت محسوب می‌شود.

## ۳. زاهدترین مردم

راه رسیدن به اوج قلّه زهد، ترک محرمات و کارهای حرام است. زهد به معنای بیگانگی از دنیا نیست، بلکه به معنای اسیر نبودن در چنگال دنیا است. ممکن است کسی مانند حضرت سلیمان علیه السلام دارای آن ملک و حکومت و حشمت باشد، ولی وابسته و اسیر دنیا نباشد. پس زاهد کسی است که محرمات را ترک کند<sup>۲</sup>، اما کارهای حلال منافاتی با زهد ندارد.

۱. در صورتی که مکلف با علم به حکم و موضوع مرتکب خلافی شود (مانند این که می‌داند این مایع شراب است و نیز اطلاع دارد که نوشیدن شراب حرام است و آن را نعوذ بالله می‌نوشد) مرتکب کار حرامی شده و عملش منکر نامیده می‌شود و «نهی از منکر» واجب است و اگر حکم را می‌داند اما موضوع را نمی‌شناسد غافل شمرده می‌شود و «تنبیه غافل» واجب نیست؛ مگر در موارد خاصی. و اگر موضوع را می‌شناسد، اما حکم را نمی‌داند جاهل محسوب می‌شود و «ارشاد جاهل» واجب است.

۲. شرح بیشتر را در میزان الحکمة، ج ۴، ص ۴۰، باب ۱۶۱۳ مطالعه فرمایید.

#### ۴. سخت‌کوش‌ترین مردم

محکم‌ترین و جدی‌ترین مردم در راه اطاعت خدا کسی است که گناهان را ترک کند. تفاوت «محرمات» با «ذنوب» ممکن است این باشد که محرمات فقط شامل کارهای حرام می‌شود، ولی ذنوب شامل ترک واجبات نیز می‌گردد. بنابراین سخت‌کوش‌ترین مردم در راه اطاعت خدا، کسانی هستند که نه دروغ بگویند و نه نماز را ترک کنند، نه تهمت بزنند و نه روزه را ترک نمایند، نه شایعه‌پراکنی کنند و نه حج را ترک نمایند. حقیقتاً روایات معصومین علیهم السلام بسیار عمیق و بلند است، به گونه‌ای که در چهار جمله برنامه کامل زندگانی اسلامی بیان شده است.

به امید آن‌که بتوانیم به این دستورات انسان‌ساز که مایه سعادت است عمل کنیم و دیگران را نیز به سوی آن دعوت نماییم.

\*\*\*

## نشانه‌های مؤمن

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «الْمُؤْمِنُ بَرَكَتُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَحُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ؛ مؤمن سبب برکت برای مؤمن و حجت علیه کافر است».<sup>۱</sup>

### ایمان، به ادّعا نیست

همانگونه که قبلاً هم گفته شد ایمان تنها به ادّعا نیست، بلکه آثاری دارد، که به وسیله آن می‌توان مؤمن را از غیر مؤمن تشخیص داد. حضرات معصومین علیهم السلام آثار فراوانی برای ایمان و نشانه‌های زیادی برای مؤمن ذکر کرده‌اند<sup>۲</sup> که در روایت مورد بحث به دو نشانه آن اشاره شده است:

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۰؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.
۲. بخشی از نشانه‌های مؤمن در بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۶۱ تا آخر کتاب، باب ۱۴، باب علامات المؤمن و صفاته، آمده است.

### ۱. مؤمن مایه برکت برای مؤمنان است

هنگامی که شتر بر روی زمین می خوابد و سینه اش را روی زمین می گذارد «بروک» گفته می شود؛ یعنی حالتی که ثبات دارد. بنابراین، آنچه ثبات دارد بروک نامیده می شود. آری، مؤمن باعث خیرات پایدار و باثبات نسبت به دیگر مؤمنان است. با زبانش، با قلمش، با قدمش، با مالش، با اعتبار و آبرویش، خلاصه با هر نوع امکانات مادی و معنوی که در اختیار دارد به مؤمنان خدمت می کند. هیچ کس نمی تواند بگوید خدمتی از من بر نمی آید؛ بلکه هر کس می تواند کار خیری انجام دهد، حداقل می تواند زبان خیری داشته باشد، برای مؤمنی شفاعت کند، یا دو نفر را که قهر کرده اند آشتی دهد، یا برای جبران خطاهایش عذرخواهی کند.

قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره کرده و به کسانی که توانایی جسمی و مالی جهت جهاد با جان و مال ندارند توصیه می کند که برای رضای خدا و رسولش زبان خیرخواهانه داشته باشند،

﴿نَصِّحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ﴾<sup>۱</sup>

بنابراین، یکی از نشانه های مؤمن این است که مایه برکت و خیرات پایدار برای مؤمنان باشد. اگر مؤمنی این نشانه را نداشته باشد مؤمن بی خاصیتی است.

۱. توبه، آیه ۹۱.



## ۲. مؤمن حجّت علیه کافران است

وجود مؤمن حجّتی علیه کافران است، یعنی وقتی مؤمن در سایه تربیت صحیح اسلامی و پیروی از دستورات حضرات معصومین علیهم‌السلام متخلّق به اخلاق اسلامی شود، و رذایل اخلاقی را از خود دور کند و انسانی پرمحبت و صادق و خوش‌برخورد گردد، برای کافران حجّت می‌شود. به این معنا که من در سایه تقوا و ایمان به این مرحله رسیده‌ام، و شما بر اثر کفر و الحاد از این فضایل اخلاقی فاصله گرفته‌اید.

از خداوند متعال می‌خواهیم که در سایه خودسازی، این دو نشانه مؤمن در وجود ما، به حدّ کمال برسد و بتوانیم با گفتار و عمل، دیگران را نیز به آن تشویق کنیم.

\* \* \*



## مزرعه زندگی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَنْقُوصَةٍ، وَ أَيَّامٍ مَّعْدُودَةٍ، وَ الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصُدُ غِنًى، وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدُ نَدَامَةً؛ بی شک شما عمر و اجلی دارید که پیوسته رو به نقصان می رود و روزهایی که محدود و مشخص است. بسیار می شود که مر ناگهان فرامی رسد و دامن انسان را می گیرد. هرکس زراعت خیر کند نتیجه خیری خواهد گرفت و هرکس که بذر شری بپاشد محصول آن ندامت و پشیمانی است»<sup>۱</sup>.

### محدودیت عمر بشر

از جمله مسائلی که شکی در آن نیست محدودیت عمر انسان است. ما انسانها در واقع مانند اتومبیلی هستیم که دارای یک باک کوچک یا بزرگ بنزین است، که مقدار محدودی گنجایش دارد

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۹؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

و این بنزین‌ها قطره‌قطره مصرف می‌شود و زمانی که تمام شد اتومبیل متوقف می‌گردد. انسان نیز زمانی که عمرش تمام شد می‌میرد، هرچند هیچ‌گونه بیماری‌ای نداشته باشد و این مطلب قابل انکار نیست.

اما این بشر چیزهای قابل انکار را انکار کرده، و آنچه را که انکار کردنی نیست به فراموشی می‌سپارد.

حضرت علی علیه السلام چه زیبا فرمود: «وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ؛ چگونه از مر غافل می‌شوید در صورتی که او از شما غفلت نمی‌کند».<sup>۱</sup>

بنابراین، واقعیت‌ها را باید پذیرفت و مطابق آن عمل کرد. طبق روایتی که از حضرت علی علیه السلام نقل شده، هر نفسی که انسان می‌کشد یک قدم به مر نزدیک می‌شود (نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ).<sup>۲</sup>

### استفاده صحیح از عمر

امام حسن عسکری علیه السلام عمر انسان را تشبیه به سرزمین حاصلخیز می‌کند. بنابراین، اکنون که وقت داری از سرزمین حاصلخیز عمر استفاده کن، که اگر بذر خیر بکاری خیر درو می‌کنی و چنانچه بذر شرّ بیاشی محصول آن ندامت و پشیمانی است.

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۲، ص ۲۹۰، خطبه ۱۸۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۶، ح ۷۴.

شاعر می گوید:

تخم گل کاشتی آخر گل شد      بر سرش نغمه سرا بلبل شد  
 خار کشتی ثمرت خار دهد      خار جز خار کجا بار دهد؟  
 در زمین دل خود کشتی خار      خار بار آمد و دادت آزار<sup>۱</sup>

### قسمت قابل استفاده عمر

عمر ما سه بخش دارد، که تنها یک بخش آن قابل استفاده است.

۱. بخش صباوت و بچگی، که قابل استفاده نیست.

۲. دوران پیری و کهن سالی، که آن هم قابل استفاده نیست.

۳. بخش جوانی، که بین دو بخش فوق است و قابل استفاده می باشد. ولی متأسفانه از آن غافلیم و هنگامی که به دوران پیری قدم می گذاریم تازه بیدار می شویم، که دیگر کار از کار گذشته است.

به قول شاعر:

تا توانستم ندانستم چه سود      چون که دانستم توانستن نبود<sup>۲</sup>  
 هر کاری در دوران جوانی امکان پذیر است؛ تحصیل، تدریس،

۱. علی رغم جستجوی فراوان، شاعر شعر مذکور یافت نشد. و هرچه در اینترنت جستجو شد فقط در سخنان حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به چشم خورد، و در جای دیگر آن را نیافتیم.

۲. امثال و حکم، ج ۱، ص ۵۳۰؛ شعر مذکور از عطار نیشابوری است.

خودسازی، رسیدن به کمالات معنوی و مانند آن همگی در دوران جوانی ممکن است.

امیدوارم خداوند به همه ما توفیق عمل بدهد و پیش از، از دست رفتن دوران جوانی قدر آن را بدانیم.

### همه چیز از ناحیه خداست

امام علیه السلام در ادامه حدیث فرمودند: «مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ أَعْطَاهُ وَمَنْ وُقِيَ شَرًّا فَاللَّهُ وَقَاهُ؛ کسی که خیری به او داده شده، خداوند آن را به او عطا کرده است، و کسی که شرّی از او دفع شده، خداوند آن را از وی دفع کرده است».<sup>۱</sup>

### وجوب شکر نعمت

یکی از وظایف ما این است که قدر نعمت‌های الهی را که خداوند به ما عنایت کرده بدانیم، که در این صورت حال ما بسیار خوب خواهد شد. اگر نعمتی به ما می‌رسد نگوییم ثمره هوش و تدبیر و برنامه‌ریزی و کوشش و تلاش خودمان است، چون تمام این توفیقات و نعمت‌ها از ناحیه خداست و ما از خود چیزی نداریم که به آن بنازیم. و اگر شرّی از ما دفع می‌شود نیز آن را محصول جان‌فشانی و مدیریت و زحمات شبانه‌روزی خود ندانیم

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳، ح ۱۹؛ تحف العقول، ص ۴۸۶.

که همه این امور نیز به لطف خداست. اگر چنین اعتقادی داشته باشیم و همه چیز را از ناحیه خدا بدانیم آثار زیادی خواهد داشت که به چند نمونه آن اشاره می شود:

۱. حسّ شکرگزاری؛ چنین انسانی هنگام دفع شرّ و به دست آوردن نعمت مغرور نمی شود و به وادی غفلت نمی افتد؛ بلکه خداوند را برای این نعمت ها شکر می کند و بدین وسیله بر درجاتش می افزاید.

۲. کمک به دیگران؛ اگر باور کرد که این نعمت ها هدیه پروردگار عالم است، نه تلاش و زحمت خودش، دیگران را نیز در آن سهیم می کند.  
 ۳. ارتقاء معرفت؛ این اعتقاد سبب می شود که معرفت و عشق و علاقه اش به خداوند بیشتر شود و در نتیجه بنده شایسته تری برای خدا گردد.

### داستان قارون و عبرت های آن

خداوند متعال در اواخر سوره قصص به داستان قارون پرداخته، که مطالب جالب و مفید و آموزنده ای دارد. از جمله طبق آنچه در آیه ۷۷ این سوره آمده، بنی اسرائیل چهار نصیحت به قارون کردند:  
 ۱. «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ»؛ «در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب» تمام ثروت را برای دنیای فانی به کار نگیر و توشه ای نیز برای جهان دیگر که بسیار مورد نیاز است تهیه کن.

۲. «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»؛ «و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن» تمام این اموال و دارایی‌ها برای مصرف شدن در زندگی دنیا نیست. سعی کن به مقدار نیازت تحصیل مال کنی که اضافه بر آن وبال گردنت می‌شود. کسانی که کوهنوردی می‌کنند دو دسته‌اند: عده‌ای فقط نیازهای ضروری (یعنی مثلاً یک قطعه نان و دو عدد تخم مرغ و دو عدد میوه) را داخل کوله‌پشتی خود گذاشته و به سمت قله حرکت می‌کنند.

اما عده‌ای ده برابر نیازشان را با خود برمی‌دارند (مثلاً ده عدد نان به همراه بیست عدد تخم مرغ و بیست عدد میوه داخل کوله پشتی خود می‌گذارند) گروه اول به راحتی به قله صعود کرده و گروه دوم در همان مراحل اولیه از نفس افتاده و متوقف می‌شوند. بنابراین، اموال اضافه بر نیاز، نه تنها کمکی نمی‌کند، که مانع ترقی و ادامه راه نیز می‌شود.

۳. «وَأَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»؛ «و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن».

۴. «وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ»؛ «و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش».

اما قارون به هیچ‌یک از نصایح چهارگانه توجهی نکرد و در جواب آن‌ها گفت: «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي»؛ «این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!»<sup>۱</sup>

۱. قصص، آیه ۷۸.



غافل از این که آن علم و هوش و توفیق را خداوند به او داده بود. اگر انسان همچون قارون نعمت‌ها را از خود بداند، اول بدبختی اوست و اگر آن‌ها را عطایای الهی بداند آغاز سعادت او. ولذا امام حسن عسکری علیه السلام مردم را به این مطلب توجه می‌دهد که نعمت‌هایی که به انسان می‌رسد و بلاهایی که از وی دفع می‌شود همه از سوی خداوند رحیم است.

\*\*\*



## تفاوت عاقل و نادان

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَفَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ؛ مرکز تفکر احمق در دهانش و دهان شخص حکیم در مرکز تفکر اوست».<sup>۱</sup>

شبهه این روایت، البته با الفاظ دیگر، از حضرت علی علیه السلام نیز نقل شده است. آن حضرت فرمود: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان عاقل پشت قلب او و قلب احمق پشت زبان اوست»<sup>۲</sup> و در جای دیگر فرمود:

«قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فِيهِ وَ لِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ؛ قلب احمق در دهان او و زبان عاقل در قلب اوست».<sup>۳</sup>

کنایات بسیار زیبایی در این احادیث به کار رفته است و اشاره به

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۱؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

۲. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۳، ص ۲۳۸، حکمت ۴۰.

۳. همان، حکمت ۴۱.

این است که انسان‌های عاقل اوّل فکر می‌کنند و سپس حرف می‌زنند، اما انسان‌های نادان اوّل حرف می‌زنند و بعد به عواقب و لوازم سخنانشان می‌اندیشند. به عبارت دیگر، تفاوت این دو در این است: بااندیشه سخن گفتن، یا بی‌اندیشه حرف زدن. برخی از مردم بدون تفکر در مورد همهٔ مسائل اظهار نظر می‌کنند، سپس در مورد آن به فکر فرو می‌روند، اما عاقلان این‌گونه نیستند.

بسیار اتفاق افتاده که نزد ما و شما در مورد فلان شخص یا جناح سیاسی مطلبی گفته شده است. بعد که در مورد آن تحقیق می‌کنیم می‌بینیم حقیقت چیزی دیگری است و حسادت یا عداوت یا سوء تفاهم سبب آن قضاوت ناصحیح و سخنان نابجا شده است.

لذا باید حرف دو طرف را شنید و قضاوت کرد. چقدر پیشیمان می‌شوند کسانی که بدون مطالعه سخن گفته و قضاوت می‌کنند و گاه موفق به جبران می‌شوند و گاه توفیق این کار را پیدا نمی‌کنند و یا اصلاً امکان جبران آن نیست. بنابراین، هرگز در قضاوت عجله نکنیم و در مورد حوادث، بدون مطالعه به اظهار نظر نپردازیم و سنجیده سخن بگوییم، تا طبق روایت امام عسکری علیه السلام انسانی عاقل، و مطابق حدیث امام علی علیه السلام انسانی مؤمن باشیم.

امید است از این بیانات امامان معصوم علیهم السلام درس بگیریم و توفیق عمل پیدا کنیم.

\*\*\*

## روزیات ضمانت شده است

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لَا يَشْغُلُكَ رِزْقُ مَضْمُونٍ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ؛ رزقی که خدا برای تو ضمانت کرده نباید مانع از اعمال واجبت شود».<sup>۱</sup>

### معنای رزق مضمون

البته رزق مضمون این نیست که در خانه بنشین و منتظر روزی باشی، بلکه باید تلاش و کوشش را رها نکنی، ولذا در روایتی می‌خوانیم: «کسی که در خانه‌اش بنشیند و برای روزی دعا کند دعایش مستجاب نمی‌شود»<sup>۲</sup> آری، روزی انسان‌ها تضمین شده، اما مشروط به تلاش و کوشش است و این روزی مضمون مشروط به تلاش و کوشش، نباید تو را از یاد خداوند غافل کند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

۲. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۱۲۱۳، ح ۵۹۲۵.

طبق آن حدیث معروف، که درس بزرگی برای دنیا و آخرت ماست، سزاوار است مؤمن اوقات خود را به سه قسمت تقسیم کند: بخشی از آن را اختصاص به تهیه معاش و هزینه‌های زندگی اش دهد، و در بخشی از آن به عبادت و پرستش پروردگار پردازد (نماز بخواند، مطالعه کند، به دعا و رازونیا روی آورد، و تهذیب نفس نماید) و در بخش سوم مشغول استراحت و سرگرمی شود!<sup>۱</sup> برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، اسلام با سرگرمی‌های سالم مخالف نیست؛ بلکه این بخش را کمکی برای آن دو بخش می‌داند. به هر حال، رزق ضمانت شده، نباید مانع اعمال واجب انسان گردد. کسانی که دست به اختلاس‌های میلیاردی زده و از امکاناتی که داشته‌اند سوء استفاده کرده‌اند، به دستور امام حسن عسکری علیه السلام عمل نکردند.

چنین افرادی، انسان‌هایی حریص هستند که از خدا و معاد و قیامت غافل‌اند و بر اثر چنین اعمالی آبروی خود را در دنیا و آخرت به خطر می‌اندازند.

به دست آوردن و نگهداری و مصرف چنین اموال و ثروت‌های گزافی، کاری بس دشوار است و آرامش را از انسان سلب می‌کند.

\*\*\*

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۳۹۰.

## عامل عزت و ذلت

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ؛ هیچ عزیز باشخصیتی حق را ترک نکرد، مگر این که ذلیل شد و هر انسان ذلیلی متمسک به حق شد عزیز شد».<sup>۱</sup> یکی از معیارهای رسیدن به عزت، تبعیت از حق، و از جمله ملاک‌های فاصله گرفتن از عزت، تبعیت از باطل و حق‌کشی است.

### باطل چیست؟

آنچه درمقابل حق است باطل محسوب می‌شود که ثبات و دوامی ندارد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيٍّ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يُضْرَبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۴؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»؛ «(خداوند) از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه آب‌ها سیلابی جاری شد، سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد؛ (همچنین) و از آنچه (در کوه‌ها) برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش بر آن می‌افروزند، کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید، خداوند برای حق و باطل چنین مثالی می‌زند، سرانجام کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خاص] در زمین می‌ماند! خداوند این چنین مثال می‌زند!»<sup>۱</sup>

بنابراین، هر ملّتی از حق طرفداری کند و تابع آن باشد عزیز می‌شود و اگر از باطل طرفداری نماید و پیرو آن شود ذلیل و خوار می‌گردد.

### نمونه‌هایی از مصادیق حقّ و باطل

دروغ، انحراف، خیانت، تهمت، غیبت، شایعه‌پراکنی، استهزاء و مانند آن، همه باطل است و سبب عزّت و آبروی انسان نمی‌شود. اما محبّت، امانت، تقوا، صداقت، اعانت بر تقوا، زهد، خوش‌رویی، وفای به عهد و مانند آن، همه حق است و مایه عزّت و آبروی انسان می‌شود.

۱. رعد، آیه ۱۷.



در گفتار و کردار حضرات معصومین علیهم‌السلام درس‌های فراوانی وجود دارد، افسوس که از آن غفلت می‌کنیم: از خداوند متعال می‌خواهیم که این معارف بلند مورد توجه همه مسلمانان در سراسر جهان و مسئولین کشورهای اسلامی قرار گیرد و بدین وسیله راه عزّت را شناخته و به سمت آن حرکت کنند و از کارهایی که سبب ذلّت کشورهای اسلامی و امت اسلام می‌شود پرهیزند.

\*\*\*



## دوست جاهل

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ؛ دوست انسان نادان، رنج و ناراحتی است»<sup>۱</sup>.

### اسلام و علم و دانش

هیچ مذهبی به اندازه مکتب اسلام درباره علم و دانش بحث نکرده است. از آغاز خلقت بشر اهمیت علم و دانش در معارف اسلامی دیده می شود. هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را آفرید و فرشتگان از فلسفه خلقت او پرسیدند، خداوند او را به مقام تعلیم اسماء<sup>۲</sup> تعریف کرد و تمام فرشتگان به خاطر این مقام والا به فرمان پروردگار بر او سجده کردند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

۲. بقره، آیه ۳۱.

۳. بقره، آیه ۳۴.

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به پیامبری رسید آیات اولیه سوره علق سخن از علم و دانش به میان آورد، یعنی علم و دانش در طلیعه برنامه‌های اسلام است، آن هم در محیطی چون عربستان که سراسر جهل و خرافه و نادانی بود.

از نظر اسلام، جهاد علمی از مهم‌ترین جهادهاست، به همین دلیل خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ «و شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (تا طایفه‌ای در مدینه بماند) که در دین (ومعارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند!»<sup>۱</sup>.

### مذمت جهل و نادانی

اسلام حرکت به سمت علم‌آموزی را جهاد<sup>۲</sup> و کلاس درس را روضه‌ای از روضات جنت معرفی می‌کند<sup>۳</sup> و به همان اندازه که از

۱. توبه، آیه ۱۲۲.

۲. میزان الحکمة، ج ۶، ص ۱۵۷، باب ۲۸۰۳، ح ۱۳۸۸۷.

۳. همان، ص ۱۵۸، باب ۲۸۰۶، ح ۱۳۸۹۹ به بعد.

علم تعریف کرده، از جهل و نادانی مذمت کرده است، ولذا گفته شده که اگر کسی کاری را بدون علم انجام دهد فسادش بیش از اصلاح آن است<sup>۱</sup> و در حدیث مورد بحث هم می‌خوانیم: «دوست جاهل، انسان را به زحمت می‌اندازد».

به همین علت است که حوزه‌های علمیّه مکان‌های مقدّسی است که اگر نباشد چیزی از دین باقی نمی‌ماند و متأسفانه بسیاری هنوز تشخیص نداده‌اند که این دروس و حوزه‌ها چه اندازه اهمیّت دارند.<sup>۲</sup>

### دو تفسیر برای روایت

درضمن، این روایت را دوگونه می‌توان تفسیر کرد: نخست این‌که دوست جاهل، رنج و تعب است؛ یعنی جهل انسان را به زحمت می‌اندازد.

دیگر این‌که دوست انسان جاهل، در رنج و زحمت است، که در این صورت کلمه «فی» در تقدیر است.

\*\*\*

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۳۵ و ص ۸۴، ح ۱۰.

۲. شرح بیشتر در مورد علم و عالم را در کتاب ما «به یاد معلم» مطالعه فرمایید.



## اهمیت ایمان به خدا و کمک به دیگران

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «خَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ  
 الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ؛ دو صفت است که بالاتر از آن چیزی  
 نیست. ایمان به خدا و منفعت رساندن به برادران دینی»<sup>۱</sup>.  
 این حدیث درحقیقت دو نوع رابطه را بیان می‌کند: رابطه با  
 خالق و خلق. جمله «الایمان بالله» اشاره به رابطه اول، و جمله «نفع  
 الاخوان» اشاره به رابطه دوم است.

### ایمان و درجات آن

هرچه درمورد ایمان اندیشه شود مناسب است. البتّه این  
 خصلت و ویژگی ارزشمند، درجاتی دارد و هر چقدر قوی‌تر شود  
 و انسان به درجات بالاتری از آن دست یابد، آثار آن در وجود  
 انسان بیشتر خواهد شد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۶؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

برای روشن شدن این مطلب، به دو مثال زیر توجه بفرمایید:

**مثال اول:** اطاقی را تصوّر کنید که پنجره‌های فراوانی دارد و در درون آن چراغی روشن شده است. اگر نور این چراغ کم باشد، چیزی به خارج منعکس نمی‌شود، اما هر چقدر نور چراغ قوی‌تر باشد، نور بیشتری از پنجره‌ها به خارج منعکس می‌شود. ایمان در وجود انسان، بسان آن چراغ درون آن خانه است و اعضای وجود انسان بسان آن پنجره‌ها. هر چقدر نور ایمان قوی‌تر باشد انعکاس آن از طریق اعضا و جوارح انسان بیشتر است. اگر این نور قوی شود، چشم و گوش و زبان و دیگر اعضا و جوارح نیز مؤمن می‌شوند و اگر قوی نباشد، اعضای بدن مؤمن نخواهند بود. بنابراین، کوشش و تلاش جهت افزایش قوت ایمان بسیار اهمیت دارد.

**مثال دوم:** در این مثال وجود انسان را به درختی تشبیه می‌کنیم که ایمان به منزله آبی است که به آن درخت داده می‌شود. آبی که مایه حیات است و اگر به درخت نرسد یا کم برسد به تدریج پژمرده و بی طراوت می‌شود و نه تنها میوه نخواهد داد، که شاخه‌های آن می‌خشکد. اما اگر به مقدار کافی آبیاری شود، شاداب و خرم و با طراوت و از هر نظر قابل استفاده خواهد بود و میوه بسیار خواهد داد. ایمان نیز با وجود انسان چنین کاری را می‌کند. هرچه درجه بالاتری از آن وجود داشته باشد، آثار و برکات آن فراوان‌تر می‌شود



و هرچه کمتر و ضعیف‌تر شود ملک وجود انسان آفت می‌گیرد و روح انسان دچار انواع آلودگی‌ها خواهد شد.

### ایمان عمر بن سعد!

ایمان برخی، همچون ایمان عمر بن سعد است، که طبق آنچه در اشعارش آمده ایمان ضعیفی به مبدأ داشت، اما به آخرت مؤمن نبود. این ایمان به قدری ضعیف و بی‌طراوت و کم‌اثر، بلکه بی‌ثمر بود که تصمیم به جنگ با امام زمان خود می‌گیرد و برای توجیه کارش می‌گوید:

يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ جَنَّةً      وَ نَارٍ وَ تَعَذِّبُ وَ غِلٌّ يَدِينِ  
فَإِنْ صَدَقُوا فِيمَا يَقُولُونَ إِنِّي      أَتُوبُ إِلَى الرَّحْمَانِ مِنْ سَنَّتَيْنِ<sup>۱</sup>

### ایمان علی بن ابی طالب علیه السلام

یک نمونه ایمان نیز همچون ایمان مولای متقیان، امیرمؤمنان، علی علیه السلام است که میوه پربار و باطراوت و دائمی بر شاخسار وجودش نشانده است. این ایمان به قدری قوی و مستحکم است که می‌فرماید: «اگر تمام جهان هستی را به من بدهند که درباره مورچه‌ای ظلم کنم، چنین کاری را نخواهم کرد!»<sup>۲</sup>

۱. مقتل امام حسین علیه السلام و یاران، ص ۲۷۲.

۲. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج ۲، ص ۴۲۸، خطبه ۲۲۴.

### راه‌های تقویت ایمان

از دو راه می‌توان ایمان را تقویت کرد: علمی و عملی.  
راه علمی تقویت ایمان این است که بیشتر در آثار خداوند و آیات آفاق و انفس و عالم آفرینش بیندیشیم، چراکه در ذره ذره این عالم هستی، آثار علم و حکمت و قدرت و تدبیر خداوند وجود دارد.

در آیه شریفه ۱۶۴ سوره بقره می‌خوانیم: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبُ الرِّيحُ الرِّبَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به نفع مردم در حرکت‌اند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مردنش حیات بخشیده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده ساخته، و (همچنین) در وزش بادهای و ابرهایی که میان زمین و آسمان قرار گرفته‌اند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خداوند و یگانگی او) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند».

### نفع الاخوان

یکی از ویژگی‌های دستورات اسلامی جامعیت آن است. نفع

الاحوان فقط سودرسانی مادی نیست؛ بلکه منافع معنوی و اخلاقی را نیز شامل می‌شود. بعضی می‌گویند: آیا اسلام در مورد محیط زیست هم دستوراتی دارد؟ می‌گوییم: همین روایت یک نمونه آن است. نفع نسل‌های آینده، اقتضا می‌کند که در استفاده از منابع انرژی صرفه‌جویی کرده و از سهم آن‌ها استفاده نکنیم.

\*\*\*



## ثمره نافرمانی فرزند در کودکی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «جُزْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ؛ جسور شدن فرزند در برابر پدرش در کودکی، سبب نافرمانی او در بزرگسالی می شود».<sup>۱</sup>

### اهمیت تربیت فرزند

درحقیقت یکی از نکات تربیتی مربوط به فرزندان در این حدیث مطرح شده است. می دانیم که اسلام برای تربیت فرزند اهمیت زیادی قائل شده، که روایت فوق ناظر بر همین مطلب و شاهی بر آن است. سوره لقمان یکی از سوره های مربوط به تربیت فرزند است که خداوند متعال از زبان لقمان بیان کرده است. بنابراین، تمام جزئیات در معارف دینی آمده است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۷؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

در این جا توجه به چند نکته لازم است:

### ۱. محبت راستین

طبیعی است که پدر و مادر به فرزند خود علاقه دارند و در این باره بحثی نیست؛ اما آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که این علاقه باید حقیقی باشد نه کاذب.

چراکه محبت دو قسم است: محبت حقیقی و محبت کاذب، محبت دروغین این است که فرزند هر کاری کند و هر حرف زشتی بزند والدین عکس العمل مناسب نشان ندهند، بلکه او را تشویق کنند، مانند این که به فرزند بدزبان خود بگویند: «چه فرزند خوش کلام و بلبلی زبانی داریم!».

و اما محبت حقیقی و راستین آن است که خیر و صلاح فرزند را برای زندگی امروز و آینده اش در نظر بگیرند؛ هرچند ممکن است فرزند ناراحت شود. اما همان گونه که بیمار علی رغم میل باطنی اش داروی تلخ را می خورد تا سلامتی اش را بازیابد، فرزند نیز باید برخوردهای اصلاح گرانه پدر و مادرش را علی رغم میل باطنی پذیرا باشد تا گام در بیراهه نگذارد.

بنابراین، محبت ما به فرزندانمان باید حقیقی و راستین باشد و به تفاوت آن با محبت کاذب و دروغین توجه داشته باشیم که بسیار مهم است.

## ۲. تبلیغات مسموم

متأسفانه تبلیغات مسموم در مورد فرزندان و والدین در عصر و زمان ما زیاد شده است. مثلاً می‌گویند: «والدین شما قدیمی‌اند و چیزی نمی‌فهمند، اما شما فهمیده هستید و از همه چیز اطلاع دارید». بدین وسیله قصد دارند با الفاظ و تعبیرات به ظاهر قشنگ، اما عاری از حقیقت و واقعیت، آن‌ها را نسبت به والدین خود بی‌اعتنا کنند.

آیا دستی در کار است و برنامه منظم و تدارک دیده‌ای وجود دارد، یا نتیجه جهالت و نادانی گویندگان آن است؟ تجربه نشان داده جوانانی که از پدر و مادر خود در جوانی جدا شده، و اعتنایی به نصایح خیرخواهانه آن‌ها نمی‌کنند در زندگی شکست خورده و متضرر می‌شوند.

جدایی فرزند از والدین به ضرر هر دو طرف است. پدر و مادر اگر بی‌سواد هم باشند دارای تجارب سودمندی هستند که به درد فرزندان می‌خورد. بنابراین، باید سعی کنیم بین والدین و فرزندان جوشش ایجاد کرده، و آن‌ها را نسبت به یکدیگر خوش‌بین نموده، و از جدایی و دور شدنشان از هم جلوگیری کنیم.

## ۳. پرهیز از خشونت

تربیت باید آمیخته با محبت باشد. متأسفانه بسیاری پدرانی که

تربیت را آمیخته با خشونت می‌کنند، که نتیجه معکوس می‌دهد. اصول تربیتی را باید پیاده کرد و از آن جدا نشد، اما توأم با مدارا و محبت که قطعاً مؤثر خواهد بود. این مطلب در کلمات لقمان حکیم، که در آغاز هر پند و اندرزی از «یا بُنَّی»<sup>۱</sup> استفاده می‌کند، به روشنی دیده می‌شود، چراکه خود این تعبیر، اظهار محبت است. بارها از ما سؤال کرده و می‌کنند که تنبیه بدنی فرزندان چه در خانه و چه در مدرسه به منظور تربیت آنها چه حکمی دارد؟ عرض می‌کنیم که اساس کار باید بر محبت باشد و حتی الامکان باید از تنبیه بدنی پرهیز شود؛ مگر در موارد خاص و ضروری.

\* \* \*

---

۱. این جمله شش بار در قرآن مجید استعمال شده است: در سوره هود، آیه ۴۲، از زبان حضرت نوح علیه السلام، و در سوره یوسف، آیه ۵، از زبان حضرت یعقوب علیه السلام و در سوره صافات، آیه ۱۰۲، از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام و در سوره لقمان، آیات ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ از زبان لقمان حکیم.



## بهتر از زندگی و بدتر از مرگ!

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ مَا إِذَا فَقَدْتَهُ  
أُبْعِضْتَ الْحَيَاةَ، وَ شَرٌّ مِنَ الْمَوْتِ مَا إِذَا نَزَلَ بِكَ أَحْبَبْتَ الْمَوْتَ؛ بهتر از  
حیات و زندگی، چیزی است که اگر آن را از دست بدهی زندگی ات  
تلخ و ناگوار می‌گردد و بدتر از مرگ چیزی است که اگر بر تو نازل  
شود آرزوی مرگ می‌کنی!»<sup>۱</sup>

سؤال: آیا بهتر از زندگی و بدتر از مردن وجود دارد؟

جواب: چیزهایی وجود دارد که وقتی از دست می‌رود، زندگانی  
بر انسان تلخ می‌شود، که به چند مصداق آن اشاره می‌کنیم:

### ۱. عزت

عزت و شخصیت از جمله اموری است که اگر از بین برود

۱. تحف العقول، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۹.

زندگی تلخ می‌شود، ولذا می‌بینیم امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا حاضر شد جانش را بدهد، اما عزت‌ش را از دست ندهد، به همین دلیل یکی از شعارهای اساسی آن حضرت و یارانش، بلکه پیروانش تا روز قیامت، شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»<sup>۱</sup> است.

و یا در جای دیگر فرمود:

أَلَمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ خَيْرٌ مِنْ دُخُولِ النَّارِ<sup>۲</sup>

## ۲. آزادی

امام سجاد علیه السلام هنگام دیدن اوضاع شام و شرایط سخت و سنگین آن برای اهل بیت علیهم السلام در شعر منسوب به ایشان فرمودند:

فِيَا لَيْتَ لَمْ أَنْظُرْ دَمِشْقًا وَلَمْ أَكُنْ يَرَانِي يَزِيدُ فِي الْبِلَادِ أَسِيرُهُ<sup>۳</sup>

یعنی: آزادی نعمت گران‌سنگی است که اگر از دست برود زندگی بر انسان ناگوار و سخت می‌شود.

## ۳. آبرو

حضرت مریم علیها السلام که هنوز از دواج نکرده بود، هنگامی که متوجه بارداری خود شد و آبرویش را در معرض خطر دید، گفت:

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۹۹.

۲. فرهنگ سخنان امام حسین، ص ۳۲۹.

۳. عاشورا، ص ۵۹۳.

﴿يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا﴾؛ «ای کاش پیش از این

مرده بودم، و کاملاً فراموش شده بودم!»<sup>۱</sup>

چراکه تصوّر می‌کرد با به دنیا آمدن فرزند رسوا می‌شود و آبرویش می‌رود. اما خداوند با به سخن درآوردن طفل در گهواره آبرویش را حفظ کرد. بنابراین، عزّت و شخصیت و آزادی و آبرو از جمله اموری هستند که از اصل حیات و زندگی نیز مهم‌ترند.

### حفظ ارزش‌ها

این روایت درحقیقت بیان ارزش‌های اسلامی است. برخی خیال می‌کنند زندگی به هر قیمتی ارزش دارد، اما اسلام ارزش‌هایی را به ما معرفی می‌کند که مافوق حیات است. عزّت و آبرو و آزادی و تقوا و مانند آن، از جمله ارزش‌هایی است که از زندگی ارزشمندتر است و مراد شرافتمندانه از چنان زندگانی‌ای بهتر، ولذا حضرت علی علیه السلام فرمودند:

فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ<sup>۲</sup>

این ارزش‌های والا و الهی را مادّی‌ها و دنیاپرستان نمی‌فهمند چون حاضرند زندگی خود را به هر قیمتی حفظ کنند.

۱. مریم، آیه ۲۳.

۲. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۴۴۲.

#### ۴. اطاعت و عبادت

یکی دیگر از امور مهم تر از زندگی، عبودیت و بندگی خداست، ولذا امام سجاده علیه السلام می فرماید: «وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بَدْلَةً فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ؛ پروردگارا! به من طول عمر عنایت کن تا زمانی که عمرم در راه بندگی تو صرف شود، پس هر زمان زندگی ام چراگاه شیطان شد جانم را بگیر».<sup>۱</sup>

یعنی زندگانی خالی از بندگی خدا و پیرو شیطان بودن ارزشی ندارد.

بارالها! به ما توفیق شناخت ارزش های اسلامی و پاسداشت از آنها را عنایت فرما!

\*\*\*

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۶۳، ح ۳۰.

### علاقه ذیلانہ!

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَا أَفْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةً تُذِلُّهُ؛ چقدر برای انسان باایمان زشت و ناپسند است که علاقه به چیزی داشته باشد که او را ذلیل کند».<sup>۱</sup>

#### انواع آرزوها و خواسته‌های انسان

خواسته‌ها و آرزوهای انسان متفاوت است؛ گاه مشروع است و گاه نامشروع. و بر فرض که مشروع باشد، گاه ابزار و وسایلی که ما را به آن می‌رساند مشروع است و گاه نامشروع. و بر فرض که خواسته مشروع، و ابزار و مقدمات آن هم مشروع باشد، گاه باعث خواری و ذلت انسان نمی‌شود و گاه انسان را ذلیل می‌کند؛ مانند این که باید درمقابل کسانی سر تعظیم فرود آورد که او را ذلیل و ناتوان و بدبخت می‌کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

امام یازدهم شیعیان جهان طبق روایت مورد بحث، چنین خواسته‌هایی را نکوهش کرده، و درباره آن به مؤمنان هشدار می‌دهد.

### تغییر دین برای سفر به خارج!

به‌عنوان مثال عده‌ای هستند که به امید درآمد بیشتر به خارج از کشور سفر می‌کنند. آن‌ها برای رسیدن به خواسته‌های خود ناچارند کارهایی کنند که سبب ذلت و سرافکنندگی آن‌ها می‌شود. یکی از این کارها، تغییر دین آن‌هاست. بسیاری از کسانی که قصد مهاجرت به کشورهای دیگر و اخذ تابعیت از آن کشور را دارند با آن‌ها شرط می‌شود که از اسلام دست بکشند و مسیحی شوند! برخی از آن‌ها می‌پرسند: ما حاضر نیستیم به‌طور واقعی تغییر دین دهیم. آیا می‌توانیم به‌شکل ظاهری دست از اسلام برداریم و مسیحی شویم، اما در واقع مسلمان باقی بمانیم تا بتوانیم به کشور مورد نظر هجرت کنیم؟ که جواب ما منفی است. چقدر سبب خواری و ذلت است که انسان برای رسیدن به خواسته‌اش اسلام عزیز و باعظمت را رها کند، و تابع مسیحیت آمیخته با خرافاتی شود که دوران آن به سر آمده است.

### اشتغال به کارهای پست

یکی دیگر از اموری که در راه رسیدن به آن خواسته، سبب ذلت

انسان می‌شود اشتغال به کارهای پست در آن کشور است، مثلاً باید در فروشگاه‌هایی کار کند که شراب و گوشت خوک به مردم می‌فروشند. آری، انسان نباید خواسته و آرزویی داشته باشد که باعث ذلت او شود، چراکه به تعبیر قرآن مجید در آیه ۲۶ سوره آل عمران، عزّت از آن خدا و رسولش و مؤمنان است. و حال که خداوند برای افراد باایمان عزّت و سربلندی را اراده کرده است، نباید کاری کنیم که منتهی به خواری و ذلت ما شود.

### انواع علاقه‌ها

علاقه‌هایی که برای انسان حاصل می‌شود بر چند نوع است: گاه انسان علاقه به مال دارد، گاه به مقام، گاه به همسر و فرزند و خویشاوندان، گاه علاقه دارد مشهور شود، گاه نیز به اموری علاقه دارد که مربوط به هوی و هوس‌هاست. این علاقه‌ها اگر در حدّ اعتدال باشد معقول است.

### علاقه به مال

انسان باید مال داشته باشد و بدون آن نمی‌تواند سربلند زندگی کند، ولذا در حدیثی می‌خوانیم: «مال به انسان کمک می‌کند که بتواند کارهای مربوط به آخرت را انجام دهد».<sup>۱</sup> اما گاه از این حد

۱. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۴۶، باب ۳۶۹۵، ح ۱۹۴۳۰.

تجاوز می‌کند و به سراغ اموری می‌رود که به آن نیاز ندارد، یا نیاز دارد، ولی می‌تواند قناعت کند و به قیمت دست دراز کردن پیش این و آن، عزت و آبرو و شخصیت خود را تحت الشعاع قرار ندهد.

### علاقه به مقام

همچنین علاقه به مقام تا حدی معقول است، چون کشور اسلامی را باید جمعی اداره کنند و نمی‌شود همه از مقامات کناره‌گیری کرده و آن را ترک نمایند.

امام سجاد علیه السلام نیز از خداوند تقاضای عزت و مقام کرده، می‌فرماید: «وَ أَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَ قَوْمِي وَ أَحْفَظْنِي فِي يَتَقَطَّتِي وَ نَوْمِي؛ در میان قوم و عشیره‌ام مرا عزیز گردان و در خواب و بیداری حافظم باش».<sup>۱</sup>

### علاقه به همسر و شهرت

همچنین است علاقه انسان به همسر که نسل او از این طریق ادامه پیدا می‌کند و اگر این علاقه نباشد تداوم نسل به خطر می‌افتد. علاقه به شهرت نیز همین‌طور است. اگر برای این باشد که مردم حرفش را بشنوند خوب است، اما اگر برای جاه و مقام دنیوی باشد خوب نیست.

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۶۴، ح ۱۵.



## زنگ تفریح!

حتی علاقه به اموری که مورد هوی و هوس می باشد در حد معقول و منطقی مطلوب است، ولذا در حدیثی می خوانیم که مؤمن چند ساعت از روز را باید برای آنچه علاقه دارد (تفریح سالم) صرف کند. که این تفریح روح را شاداب کرده، و انسان را آماده کار می کند.

حضرت رسول ﷺ فرمود: «وَعَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَرْبَعُ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَسَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَسَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحَظِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِّتِلْكَ السَّاعَاتِ؛ انسان عاقل باید اوقات شبانه روز خود را به چهار قسمت تقسیم کند: بخشی از آن را به عبادت خداوند بپردازد، و در بخش دیگر به محاسبه نفس بپردازد، و در بخش سوم در آفریده های خداوند بیندیشد، و در بخش چهارم به تفریحات سالم بپردازد که بخش پایانی کمکی بر انجام سه بخش اول است»<sup>۱</sup>.

و به همین علت کسانی که به مرخصی نمی روند راندمان کاری شان پایین می آید و کارفرما برای اعتلای سطح کار، آن ها را به تفریح و مرخصی اجباری می فرستد. اما اگر انسان به آنچه دارد

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۱، ح ۱. شبیه این روایت در ج ۱۲، ص ۷۱، ح ۱۳ و ج ۷۱، ص ۳۲۳، ح ۷ نیز آمده است.

راضی نباشد گاه مجبور می شود به تملق و چاپلوسی و دست بوسی و مانند آن روی آورد تا به هوی و هوس دست یابد. دولت های ذیلی که زیر سلطه آمریکا هستند از این قبیل اند، که برای ماندن، هرچه آمریکا می گوید قبول می کنند.

به تعبیر دیگر، خداوند می خواهد مؤمن عزیز باشد و انسان باید برای حفظ عزت هزینه کند. عزت از مقام و مال بالاتر و مهم تر است، به همین دلیل امام حسین علیه السلام فرموده است: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ تَرَكَنِي بَيْنَ السَّلَّةِ وَالدَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ لَهُ ذَلِكَ هَيْهَاتَ مِنِّي الدَّلَّةُ»<sup>۱</sup>.

\*\*\*

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۳، ح ۱۰.

## چگونه اکرام کنیم؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْهِ؛ دیگری را به چیزی که سبب مشقت او می شود اکرام نکن.»<sup>۱</sup>

اسلام اکرام مؤمن را لازم می داند. این کار، گاه با کلام و سخن انجام می شود و گاه با دعوت، یا کمک مالی، یا رفع اختلاف میان مؤمنین و مانند آن. با این حال، شارع مقدس فقط به اصل اکرام قناعت نمی کند، بلکه به شاخ و برگ و حد و مرز آن نیز پرداخته است.

### آداب صدقه دادن

خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خود را با منت و آزار، باطل نسازید.»<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۲؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

۲. بقره، آیه ۲۶۴.

یعنی اگر به نیازمندی کمک می‌کنی و از این طریق به او اکرام می‌نمایی، نباید آن را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل کنی. و در آیه قبل از آن می‌خوانیم: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى»؛ «گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از تندخویی آنها)، از صدقه‌ای که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است».<sup>۱</sup>

یعنی چنانچه فقیری نزد انسان آمد و نمی‌خواهد به او کمک کند، اگر با سخن خوب او را از خود دور کند بهتر است تا به او کمکی کند که همراه با سخن تند و منت گذاشتن باشد.

#### اکرام کریمانه کریم اهل بیت علیهم السلام

ما باید چگونگی برخورد با مردم و اکرام کردن را از حضرات معصومین علیهم السلام فراگیریم، که یک نمونه آن داستان امام حسن مجتبی علیه السلام است.

شخص نیازمندی در خانه آن حضرت را کوید و خطاب به حضرتش عرض کرد:

لَمْ يَبْقَ لِي شَيْءٌ يُبَاعُ بِدِرْهِمٍ      يَكْفِيكَ مَنْظَرُ حَالَتِي عَنْ مُخْبِرِي  
إِلَّا بَقَايَا مَاءٍ وَجْهِ صُنْتُهُ      إِلَّا يُبَاعُ وَقَدْ وَجَدْتُكَ مُشْتَرِي

۱. بقره، آیه ۲۶۳.

ای فرزند رسول خدا! هیچ چیزی برایم نمانده که به درهمی فروخته شود. وضع ظاهری ام سخنانم را تصدیق کرده و شهادت بر صدق کلامم می دهد. البته اندک آبرویی دارم، که آن را حفظ کرده ام (تا مشتری مناسبی بیابم) و اکنون که تو مشتری مناسبی هستی، آن را به تو عرضه کرده ام!

امام حسن علیه السلام صندوق دار خویش را طلبید و پرسید: چه مقدار پول داریم؟ عرض کرد: دوازده هزار درهم. فرمود: آن را به این مرد فقیر بده! سپس آن مرد را طلبید و از وی عذرخواهی کرد که: ما حق تو را ادا نکردیم! ولی آنچه داشتیم دادیم. و این شعر را در جواب اشعار او خواند:

حُذِ الْقَلِيلَ وَ كُنْ كَأَنَّكَ لَمْ تَبِعْ      مَا صُنَّتَهُ وَ كَأَنَّكَ لَمْ تُشْتَرِ ۱

بنابراین، اکرام مؤمن باید همراه با احترام باشد و او را به زحمت نیندازد و از اکرام‌هایی که همراه با زحمت و مشقت است باید پرهیز کرد.

مثلاً مجلس مهمی ترتیب می دهد و اصرار می کند که باید در مجلسی حضور یابد، یا این که در مجلس در حضور او از وی تعریف می کند، در حالی که او از این کار خوشش نمی آید.

\*\*\*

۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۱۸.



### بلاهم نعمت است!

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا؛ هَيْجٌ بَلَاءِي نَيْسْت مَگر این که در کنار آن نعمتی وجود دارد»<sup>۱</sup>.

هنگامی که بلاها و مشکلات فردی و اجتماعی را مورد مطالعه قرار می دهیم، به حقیقتی که در این روایت به آن اشاره شده پی می بریم، و آثار نیکی در کنار آن می یابیم.

### ثوابهای بیماری

در حدیث دیگری که امام صادق علیه السلام نقل کرده به صورت جزئی تر به این مسئله پرداخته شده است:

«عَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي عِلَّتِهِ فَقَالَ:

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۴؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

يَا سَلْمَانَ إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ إِذَا اِعْتَلَّتْ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَنْتَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذِكْرٍ وَ دُعَاؤِكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ وَ لَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت سلمان فارسی رفت. هنگامی که در کنار بسترش نشست به او فرمود: در این بیماری سه خصلت خوب وجود دارد: نخست این که انسان در مشکلات به یاد خدا می افتد (خواه این مشکل بیماری باشد، یا زندانی شدن، یا وجود دشمن یا مانند آن). دوم این که دعای فرد هنگام بیماری مستجاب می شود. سوم این که بیماری گناهان انسان را مانند بر خزان روی زمین ریخته و از بین می برد.<sup>۱</sup>

### تجربه های انقلاب

ما در طول انقلاب اسلامی ایران این مسئله را به خوبی تجربه کرده ایم. جنگ تحمیلی بالای بزرگی بود، ولی سبب شد که نیروی نظامی ما از قوی ترین نیروهای منطقه شود. ارتش و سپاه و بسیج مقتدر و قوی فعلی، نتیجه همان جنگ تحمیلی است.

از یکی از مورخان خارجی نقل شده که می گوید: «من تاریخ را مورد مطالعه قرار دادم و متوجه شدم که تمامی تمدن های بزرگی که پدید آمده به این سبب بوده که کشوری مورد تهاجم دشمنی

۱. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۸۵، ح ۳۷.



نیرومند واقع شده و همان دشمن موجب شکوفایی تمدن آن کشور گردیده است»<sup>۱</sup>.

در عصر و زمان ما، یکی از بلاها تحریم‌هاست که در کنار آن در بسیاری از موارد، مانند برخی داروها، و ابزار و وسایل نظامی به خودکفایی رسیده‌ایم. انسان در بلاها گاه حالت انفعالی پیدا می‌کند و گاه حالت اثباتی. حالت انفعالی این است که مأیوس شده و دست از فعالیت برمی‌دارد، ولی حالت اثباتی این است که فرد به دنبال راه‌حل مشکل می‌رود. انسان باید حالت دوم را در خود تقویت کند، تا آن تهدید را به فرصت تبدیل سازد.

\* \* \*

---

۱. جمله مذکور به مورخ انگلیسی معروف، آرنولد جوزف توین بی (Arnold Joseph Toynbed) نسبت داده شده است. شرح حال و نظریه وی را در مقاله «توین بی و نظریه پیدایش و سقوط تمدن‌ها» مطالعه فرمایید. (سخن تاریخ، شماره دوم، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۰۱-۱۱۶).



## موعظه خوب و بد

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ؛ هر کس برادر مسلمانش را پنهانی موعظه کند او را زینت داده، و هر کس او را آشکارا نصیحت کند، چهره‌اش را زشت کرده است»<sup>۱</sup>.

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

اولاً: موعظه و نصیحت نوعی امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود.

ثانیاً: یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که آمیخته با حرامی نشود.

و ثالثاً: یکی از محرّمات، اهانت به برادر مؤمن است. بنابراین، این دو فریضه باید به گونه‌ای انجام شود که مستلزم اهانت به

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۳؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

مؤمنین نگردد و یکی از راه‌های جلوگیری از این مفسده، انجام آن به صورت پنهانی است، که چنین موعظه‌ای زینت محسوب می‌شود.

اما اگر به صورت آشکار و علنی و در حضور دیگران باشد، سبب اهانت است. کسانی که به فریضه امر به معروف و نهی از منکر ایراد وارد می‌کنند که این کار آبرو و حیثیت مردم را نشانه می‌گیرد! اگر این‌گونه روایات را مطالعه کنند خواهند فهمید که با رعایت شرایط و ظرایف امر به معروف و نهی از منکر، که در روایات و احکام اسلامی آمده، آبرو و حیثیت مردم حفظ خواهد شد.

### اثر تذکر پنهانی

اگر امر به معروف و ناهی از منکر به صورت پنهانی تذکر دهد طرف مقابل احساس می‌کند که خیرخواه اوست و به تذکراتش توجه می‌کند و آن‌ها را می‌پذیرد. اما اگر در حضور جمع باشد احساس می‌کند که خیرخواه او نیست و قصد انتقام‌جویی و حسادت و دشمنی دارد، یا هدفش تسویه حساب‌های شخصی است، ولذا حرفش را نمی‌پذیرد.

خلاصه این‌که تأثیر موعظه شرایطی را می‌طلبد، که یکی از آن‌ها پنهانی انجام دادن آن و حفظ حیثیت و آبروی مردم است. امیدواریم که هم خود به آن عمل کنیم و هم دیگران را به آن دعوت نماییم.

## نعمت تواضع و فروتنی

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «التَّوَاضُّعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا؛ تواضع و فروتنی نعمتی است که کسی درباره‌اش حسادت نمی‌کند».<sup>۱</sup>

دو نکته در این روایت شریف قابل توجه است:

### ۱. چرا تواضع نعمت است؟

چون فروتنی آثار فراوانی دارد؛ از جمله:  
دوستان انسان را فراوان می‌کند.  
از تعداد دشمنان و بدخواهان وی می‌کاهد.  
بر محبوبیت انسان در میان اقشار جامعه می‌افزاید.  
سبب پیشرفت کارها می‌شود.  
پیوند دل‌ها را در پی دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۱؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

و ثمرات و آثار دیگری که در این مختصر نمی‌گنجد. افراد زیادی را در محیط روحانیت می‌شناسیم که بسیار محبوب قلوب بودند، چون متواضع و فروتن بوده‌اند. خداوند متعال در سوره لقمان به این نعمت بزرگ اشاره کرده، می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»؛ «و با تکبر و غرور در (روی) زمین راه مرو».<sup>۱</sup>

البته راه رفتن یک مصداق است. یعنی در هیچ کاری از کارهای زندگی ات تکبر نداشته باش، که منزوی و تنها می‌شوی و دشمنانت زیاد می‌شوند.

## ۲. چرا تواضع مورد حسادت نیست؟

معمولاً صاحبان نعمت‌ها مورد حسادت قرار می‌گیرند. حسودان به کسانی که ثروتی دارند، یا به درجاتی از علم و دانش رسیده‌اند، یا دارای پست و مقامی هستند و مانند آن‌ها، حسادت می‌ورزند. اما به کسانی که متواضع‌اند حسادت نمی‌ورزند، چون تواضع و فروتنی هزینه و مئونه‌ای ندارد و آن‌ها نیز می‌توانند متصف به این صفت زیبا شوند، بنابراین جایی برای حسادت باقی نمی‌ماند.

۱. لقمان، آیه ۱۲۸؛ این قسمت از آیه شریفه در سوره اسراء، آیه ۳۷ نیز تکرار شده است.

یکی از مشکلات صاحبان نعمت، محافظت از نعمت در برابر حسادت حسودان است، ولذا خداوند متعال سفارش می‌کند که از شرّ حسودان به او پناه ببریم «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»<sup>۱</sup>. هنگامی که انسان نعمتی داشته باشد که در تیررس حسودان نباشد خیالش راحت است، برخلاف نعمتی که نیاز به مراقبت از شرّ حسودان دارد و تواضع، تنها نعمت، یا از معدود نعمت‌هایی است که از تیررس حسودان دور است.

### تواضع و فروتنی بزرگان

تخلّق به این صفت زیبای اخلاقی برای همه زینده است، اما برای روحانیون و علما که زعامت و رهبری مردم را برعهده دارند، شایسته‌تر است. به دو نمونه از تواضع علما و فقهای شیعه توجه فرمایید:

#### ۱. آیت‌الله خوانساری رحمته‌الله علیه

مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری رحمته‌الله علیه، صاحب نماز معروف باران<sup>۲</sup>، به همراه چراغ‌کش خود، پس از اقامه نماز در

۱. فلق، آیه ۵.

۲. شرح نماز باران آن مرحوم، و دیگر مسائل مربوط به آن را در کتاب «تحقیقی پیرامون نماز باران» مطالعه فرمایید.

حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به سمت خانه حرکت کرد. چراغ‌کش معمولاً جلو حرکت می‌کرد تا کسانی که پشت سر او هستند بتوانند در پرتو نور چراغ حرکت کنند. آن مرجع بزرگوار تقلید در مسیر حرکت به کودکی برخوردند که گریه می‌کرد. از علت گریه‌اش پرسید. گفت: مادرم پولی به من داده که چیزی بخرم آن را گم کرده‌ام. آیت‌الله خوانساری چراغ‌کش را صدا زد تا چراغ را در محلی که آن بچه پولش را گم کرده بود بیاورد تا دنبال پول آن بچه بگردد!

هنگامی که این تواضع و فروتنی را از آن مرجع بزرگ دیدم، که بدون هیچ تکلفی شخصاً دست به این کار زد، از کار ایشان بسیار لذت بردم.

## ۲. آیت‌الله خویی رحمته الله

داستانی هم از آیت‌الله خویی رحمته الله در نجف به خاطر دارم: پس از درس، اشکالاتم را مطرح می‌کردم و ایشان با صبر و حوصله جواب می‌داد. گاه سؤال و جواب‌ها طول می‌کشید. در صحن امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌نشستیم و به بحث ادامه می‌دادیم. در یکی از آن روزها، عربی آدرس مدرسه کاشف الغطاء را پرسید. استاد از او خواست که همان‌جا بنشیند، تا پس از تمام شدن سؤال و جواب‌ها او را به آن‌جا ببرد. سؤالات تمام شد و سه نفری



به سمت مدرسه حرکت کردیم. به دو راهی ای رسیدیم که یک راه به سمت مدرسه کاشف الغطاء و راه دیگر به سمت منزل آیت الله خوئی رحمته الله علیه منتهی می شد. از استاد خواهش کردم به من اجازه دهد آن عرب را به آدرس مورد نظر برسانم و استاد به سمت منزل برود. اما ایشان قبول نکرد و خودش آن شخص را تا مدرسه کاشف الغطاء همراهی کرد.

\*\*\*



## ترک عادت شبیه معجزه است

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَرَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ؛ مؤدّب به آداب کردن انسان جاهل و برگشت دادن کسی که عادت به کار زشتی پیدا کرده، مانند معجزه و کار بسیار مشکلی است».<sup>۱</sup>

این روایت ارزشمند دو پیام بسیار مهم دارد:

### پیام اول: مشکلات تربیت ناهلان

برای تربیت افراد نادان باید مشکلات زیادی تحمل کرد و با حوصله و صبر به این کار پرداخت و اگر در روزهای اول نتیجه‌ای حاصل نشد مأیوس و ناامید نگردید.

همچنین ترک اعتیاد معتاد نیاز به صبر و بردباری و مقاومت دارد و با ادامه دادن و پیگیری کردن نتیجه به دست می‌آید.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۳۰؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به ارشاد و هدایت قومش پرداخت<sup>۱</sup> و در این مسیر هرگز تردیدی به خود راه نداد و موفق شد حدود هشتاد نفر را به راه راست هدایت کند<sup>۲</sup> و اینان همان افرادی بودند که بر کشتی نجات سوار شدند. یعنی آن حضرت برای هدایت هر نفر حدود ۱۲ سال زحمت کشید و تمام سختی‌ها را تحمل کرد! انسان در مورد فرزند خود اگر یک روز یا یک هفته یا یک ماه، و حداکثر یک سال تلاش کند و به نتیجه‌ای نرسد او را رها می‌کند، اما پیامبران الهی چقدر دلسوز و مهربان بودند که هرگز ناامید و مأیوس نمی‌شدند و در انجام تکلیف خود کوتاهی نمی‌کردند، بلکه گاه فراتر از حد تکلیف و وظیفه خود عمل می‌کردند، همان گونه که خداوند این مطلب را در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یادآوری کرده است، می‌فرماید: ﴿طه﴾ **مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾؛ «طه (ای رسول ما!) ماقرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را سخت به زحمت بیفکنی».**<sup>۳</sup> بنابراین، همه پدران، مادران، برادران، خواهران، روحانیون، اساتید و معلمان و همه کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت کار می‌کنند، باید در مسائل تربیتی اهل صبر و حوصله و تحمل و استقامت و بردباری باشند و الا به نتیجه نمی‌رسند.

۱. عنکبوت، آیه ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۶، ح ۶۴ (به نقل از زندگی پر ماجرای نوح علیه السلام، ص ۵۲).

۳. طه، آیات ۱ و ۲.

**پیام دوم: پیشگیری مقدّم بر درمان**

دومین پیام روایت این است که عادت‌های بد اگر به حدّ اعتیاد برسد ترک دادن آن شبیه معجزه است، ولذا باید با پیشگیری اجازه نداد که به آن مرحله برسد. معتادان زیادی وجود دارند که به مراکز ترک اعتیاد برده می‌شوند و ماه‌ها برای ترک آن‌ها زحمت کشیده می‌شود و هزینه‌ی زیادی صرف می‌شود، ولی پس از ترخیص متأسفانه دوباره به اعتیاد روی می‌آورند. اما با پیشگیری، هم هزینه کمتری صرف می‌شود، هم زحمت و رنج کمتری به همراه دارد، و هم نتیجه بهتری گرفته می‌شود.

یکی از عادت‌های زشت و ناپسند، اعتیاد به موادّ مخدّر است که از مرز یک عادت صرف گذشته و تبدیل به یک معضل سیاسی شده و دشمنان به‌عنوان یک اهرم فشار بر ملّت‌ها از آن بهره می‌برند. چون اگر جوانان یک کشور آلوده به این موادّ افیونی شوند، دیگر کسی نیست که از کشور دفاع کند و دشمن به راحتی بر آن مسلّط می‌گردد. با ورق زدن تاریخ جنگ‌های جهانی، به جنگی به نام جنگ افیون برمی‌خوریم. انگلستان برای تسلّط بر چین شروع به پخش موادّ مخدّر به صورت مجّانی در میان جوانان چینی کرد، تا با بی‌اراده کردن آن‌ها بتواند آن کشور را نیز مستعمره خود کند و همان بلایی را که بر سر هندوستان آورد این‌جا هم تکرار نماید. اما مردم چین هوشیار بودند و جنگ سختی در میان آن‌ها

در گرفت که منتهی به شکست انگلیس و پیروزی مردم چین شد  
 و این جنگ به جنگ افیون معروف گشت.<sup>۱</sup>  
 اسرائیلی‌ها علی‌رغم محدودیت زمین‌های کشاورزی‌شان،  
 بخشی از آن را به کشت خشخاش اختصاص داده‌اند تا مواد مخدر  
 حاصل از آن را مجانی در میان جوانان لبنان توزیع کنند  
 و مقاومتشان را درهم شکنند؛ اما حزب‌الله لبنان به‌موقع متوجه این  
 نقشه شوم آن‌ها شد و نه تنها در دام اسرائیل نیفتاد، که درس عبرت  
 خوبی به آن‌ها داد و در جنگ ۳۳ روزه، پوشالی بودن قدرت آن‌ها  
 را برای همه مردم دنیا برملا کرد.

\*\*\*

---

۱. در مورد «جنگ تریاک» و آثار و عواقب آن، به کتاب «انقلاب چین» ص ۶ به بعد مراجعه فرمایید.

## اظهار شادی نزد انسان غمگین!

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ؛ اظهار شادی و خوشحالی نزد انسان محزون و اندوهگین، برخلاف ادب است».<sup>۱</sup>

### دستورات اخلاقی اسلام

در اسلام مجموعه‌ای از دستورات اخلاقی وجود دارد که اگر گردآوری شود یک یا چند جلد کتاب می‌شود. این دستورات درباره موضوعات مختلف اجتماعی است، که از جمله می‌توان به عیادت بیماران، شرکت در تشییع جنازه مؤمنان، تبریک گفتن در مورد فرزندان نوزاد، تبریک گفتن در مسائل مربوط به ازدواج، صلۀ رحم، مراعات حال همسایگان، رعایت حال همسفر، و مانند آن اشاره کرد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۸؛ تحف العقول، ص ۴۸۹.

این‌ها درحقیقت آداب معاشرت در تمام شئون زندگی است و جاذبه مهمی دارد و سبب الفت اجتماعی و پیوندهای عاطفی می‌شود.<sup>۱</sup>

### جاذبه دستورات اخلاقی

این آداب به قدری مؤثر و پرجاذبه است که حتی اگر در مورد غیر مسلمانان به کار گرفته شود ممکن است سبب جذب آن‌ها به اسلام گردد. نمونه بارز آن، داستان حضرت علی علیه السلام و مرد یهودی است. آن حضرت در یکی از سفرها با یکی از یهودیان همسفر شد. در طول سفر ضمن صحبت و گفتگو، به دوراهی رسیدند که یک راه آن (مثلاً) به سمت شام و راه دیگر به سمت عراق بود.

مرد یهودی که مقصدش شام بود به آن سمت رفت، اما حضرت علی علیه السلام که مقصدش عراق بود راه عراق را انتخاب نکرد و همراه یهودی به سمت شام حرکت کرد! یهودی با تعجب پرسید: مقصد شما که عراق بود، چرا همراه من آمدی؟ حضرت فرمود: قصد دارم شما را مقداری همراهی کنم، سپس برمی‌گردم و به راه خود ادامه می‌دهم! یهودی گفت: این اخلاق نیکو از صفات اخلاقی خود شماست یا از دستورات اسلام؟ حضرت فرمود: جزء سفارشات دین ماست. یهودی بلافاصله شهادتین را بر زبان آورد و مسلمان شد.<sup>۲</sup>

۱. بخشی از این دستورات در کتاب ما «آداب معاشرت در اسلام» آمده است.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۳، باب ۹۲، ح ۱.



خوانندگان عزیز! این یک نمونه از جاذبه‌های آداب اسلامی است، ولذا سزاوار است آن‌ها را حتی الامکان رعایت کنیم.

### اظهار خوشحالی نکردن نزد اندوهگین

یکی از آداب اجتماعی اسلام اظهار شادی نکردن نزد انسان محزون و اندوهگین است. برای روشن شدن این مطلب باید توجه داشت که کمک کردن به دیگران دو نوع است:

۱. کمک‌های مادی؛ مانند این‌که به شخص بیماری که برای درمان نیاز به پول دارد، پول بدهیم.

۲. کمک‌های معنوی؛ اگر قادر به کمک مادی نیستیم حداقل همدردی کرده و جلوی او اظهار شادی و خوشحالی نکنیم. گاه ارزش کمک‌های معنوی بیش از کمک‌های مادی است. علاوه بر این‌که این‌گونه کمک‌ها را همیشه می‌توان انجام داد عکس مسئله نیز قابل توجه است. یعنی در مقابل انسانی که شاد و خوشحال است باید اظهار شادی کرد. هم باید شریک غم مردم بود و هم شریک شادی آن‌ها. این‌که امام علی علیه السلام در مورد شیعیانش فرمودند: «يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»<sup>۱</sup> اختصاص به شادی و غم آن بزرگواران ندارد، بلکه در مورد همه شیعیان جاری است.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴، ح ۱.



## زیبایی برون و درون

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَحُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ؛ زیبایی ظاهری، حسن صورت، و زیبایی درونی و باطن، خوبی عقل انسان است».<sup>۱</sup>

### اهمیت عقل و خرد

این موضوع در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مورد بحث فراوان قرار گرفته است، تا آنجا که مخاطب آیات قرآن «اولوالالباب» هستند. به چند روایت در این زمینه توجه فرمایید:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ تمام خوبی‌ها تنها به وسیله عقل درک می‌شود، و کسی که عقل ندارد دین ندارد».<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، ح ۴؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۳.

۲. تحف العقول، ص ۵۴.

خیری که در این روایت آمده شامل همه نوع خیر، اعم از مادی و معنوی، دنیایی و آخرتی، جمعی و فردی و مانند آن می‌شود. نتیجه این که دیانت از نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عقل و خرد است و تمام خیرات از عقل سرچشمه می‌گیرد.

۲. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «بِالْعَقْلِ تُدْرِكُ الدَّارَانَ جَمِيعاً وَمَنْ حُرِمَ مِنَ الْعَقْلِ حُرِمَ هُمَا جَمِيعاً؛ دنیا و آخرت با عقل درک می‌شود و کسی که از عقل محروم باشد نه دنیا دارد و نه آخرت».<sup>۱</sup>

### حجیت عقل از منظر مذاهب اسلامی

یکی از امتیازات مکتب تشیع نسبت به اکثریت اهل تسنن، حجیت عقل است. ما در پرتو پیروی از اهل‌البیت علیهم السلام معتقد به حجیت عقل هستیم، ولذا در کتاب شریف اصول کافی، که از مهم‌ترین کتب حدیثی ماست، اولین کتاب آن، «کتاب العقل والجهل» است و این نشانگر اهمیت عقل نزد شیعه محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

اما گروه عظیمی از مسلمانان عقل را حجّت نمی‌دانند و این میوه تلخ، ثمره جدایی از مکتب اهل‌بیت علیهم السلام است. اگر آن‌ها نیز به

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱، ح ۶.

۲. شرح و تفسیر بسیاری از روایات مذکور را در دو کتاب ما «عقلانیت در اسلام» و «نخستین آفریده خدا» مطالعه فرمایید.

حدیث ثقلین<sup>۱</sup> عمل کرده، و از کتاب خدا و عترت پیامبر ﷺ تبعیت می‌کردند، دچار این مشکل بزرگ نمی‌شدند.

### عاقل چنین کارهایی نمی‌کند!

دربارهٔ عقل هرچه گفته شود کم است: انسان عاقل سراغ موادّ مخدر نمی‌رود؛ سراغ پول‌های نامشروع چند هزار میلیاردی نمی‌رود که امکان هزینه کردن آن در تمام عمر خود و خانواده‌اش وجود ندارد. انسان عاقل مشروبات الکلی را که ده‌ها بیماری و معضل خانوادگی و شخصی و اجتماعی در پی دارد<sup>۲</sup>، مصرف نمی‌کند.

یکی از بلاهای امروز دنیا تبدیل قسمت عمدهٔ ثروت دولت‌ها به سلاح‌های خطرناک است، چون همه از هم می‌ترسند و وحشت دارند، در حالی که اگر عقل حاکم بود و هرکس به حقّش راضی بود و همه با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، نیازی به این هزینه‌های سنگین نبود و دولت‌ها می‌توانستند بودجهٔ کلان آن را صرف عمران و آبادی و دیگر نیازهای لازم و ضروری ملت‌های خود کنند.

۱. شرح حدیث ثقلین را در کتاب «پیام قرآن»، ج ۹، ص ۶۲ به بعد، ملاحظه فرمایید.  
 ۲. به بخشی از زبان‌های مشروبات الکلی در «تفسیر نمونه»، ج ۲، ص ۱۵۰ به بعد، ذیل آیهٔ ۲۱۹ سورهٔ بقره اشاره شده است.

امروزه سردمداران کشورهای اروپایی و آمریکایی و بسیاری از کشورهای دیگر عاقل نیستند، وگرنه ضرادخانه‌هایشان مملو از سلاح‌ها و مهمات مختلف نبود. اگر عقل بر جوامع حاکم بود این قدر دادگاه‌ها شلوغ و پرونده‌های دعاوی فراوان نبود.

### راه‌های تقویت عقل

بخشی از عقل، ذاتی و خدادادی است، اما مقدار بیشتر آن اکتسابی است و برای تحصیل آن راه‌های مختلفی وجود دارد که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. تجربه

استفاده از تجربه خود و دیگران سبب تقویت عقل و خرد می‌شود. مطالعه جنایات و مظالم ظالمان در طول تاریخ به ما می‌آموزد که پا جای پای آن‌ها نگذاریم و به دیگران ظلم و ستم نکنیم.

#### ۲. تفکر در عالم خلقت

دقت در عالم آفرینش و نظم حاکم بر آن، از عوامل دیگر افزایش عقل و خرد به شمار می‌رود، ولذا خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ «به یقین در آمد و شد شب و روز، و آنچه  
خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است  
برای گروهی که پرهیزکارند (و حقایق را می‌پذیرند)».<sup>۱</sup>

### ۳. استفاده از استاد

زانو زدن در محضر اساتید عاقل خود ساخته نیز عقل انسان را  
تقویت می‌کند.

### ۴. اندیشه در عواقب امور

اگر به نتیجه کارهای خود و عواقب امور مختلف بیندیشیم، که  
به‌عنوان مثال، چقدر می‌توانیم زندگی کنیم؟ چقدر نیاز داریم؟  
چه مقدار می‌توانیم استفاده کنیم؟ در این صورت نیز عقلمان زیاد  
می‌شود.

\*\*\*

---

۱. یونس، آیه ۶.





## دروغ، کلید همه گناهان

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «جُعِلَتْ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتِ  
وَالْكَذِبِ مَفَاتِيحُهَا؛ تمام کارهای خبیث و اعمال ناشایست داخل  
انباری نهاده شده و کلید آن دروغ است»<sup>۱</sup>.

### چگونه دروغ منشأ گناهان است؟

طبق این روایت شریف منشأ همه گناهان دروغ است.  
به عنوان مثال، در مسئله کسب و کار، سرمایه بسیاری از گناهان را  
دروغ تشکیل می دهد. کسی که می خواهد کم فروشی کند، به دروغ  
جنس ۹۰۰ گرمی را یک کیلو معرفی می کند و آن را می فروشد.  
یا کسی که قصد تقلب دارد، به دروغ جنس معیوب را سالم  
نشان می دهد، یا کالای داخلی را با نصب برچسب دروغین به عنوان  
جنس خارجی به مشتری می فروشد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، ح ۴؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۳.

یکی از افراد محترم می‌گفت: کاسبی نزد من آمد و گفت: می‌خواهم توبه کنم. گفتم: مگر چه کرده ای؟ گفت: فروشنده روغن زیتون بودم. روغنی به مردم می‌فروختم به‌عنوان زیتون صددرصد خالص، در حالی که فقط ۶۰٪ آن روغن زیتون بود و بقیه‌اش چیز دیگر! تدلیس و احتکار و مانند آن نیز با سرمایه دروغ انجام می‌شود. در مسائل خانوادگی نیز چنین است. اگر خدایی نکرده شوهر به زن یا زن به شوهر خیانت کند، با دروغ پوشش می‌دهند که هیچ اتفاقی نیفتاده و صفا و صمیمیت و اعتماد وجود دارد. همچنین در مسائل مربوط به ملت و دولت.

### دنیای بدون دروغ دنیای بدون مشکلات

اگر دروغ از دنیا برچیده شود اکثر مشکلات جهان بشری حل می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر به‌جای ادعای دورغین مبارزه با تروریست، که غربی‌ها با آن گوش جهانیان را کر کرده‌اند، واقعاً با تروریست مبارزه شود امنیت به بسیاری از کشورها برمی‌گردد. و چنانچه مدعیان دروغین طرفداری از حقوق بشر، به‌راستی برای انسان‌ها احترام قائل شده و حقوقشان را محترم بشمرند، از تزییع حقوق بسیاری از انسان‌ها در سراسر عالم جلوگیری می‌شود. این جاست که به عظمت کلام امام حسن عسکری علیه السلام پی می‌بریم که ریشه تمام گناهان دروغ است.

در برخی روایات نیز می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِالشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ؛ خداوند برای شرور و زشتی‌ها قفل‌هایی قرار داده، و کلید آن قفل‌ها شراب است و دروغ بدتر از شراب است»<sup>۱</sup>.

دلیل این موضوع روشن است؛ چون شراب عقل را از کار می‌اندازد و انسان دیوانه دست به هر کاری می‌زند و بدتر از شراب، با همه بدی‌هایش، دروغ است.

بنابراین، باید تصمیم بگیریم دروغ نگوئیم و دیگران را نیز از آن نهی کنیم. زیرا با دروغ، اعتماد، که سرمایه بزرگ جامعه بشری است، از بین می‌رود و با از بین رفتن اعتماد، که بسان ملاط آجرهای جامعه بشری است، این بنا رو به ویرانی خواهد رفت.

\* \* \*

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۵۰، باب ۱۱۳۳، ح ۵۳۶۶.



### بهترین دوست

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ؛ بهترین برادرانت کسی است که گناهانت را فراموش کند و نیکی‌هایت را به یاد داشته باشد».<sup>۱</sup>

#### به خاطر داشتن خوبی‌ها، فراموش کردن بدی‌ها

همه دستورات اخلاقی اسلام حساب شده است و اگر به آن‌ها عمل شود مدینه فاضله پدید می‌آید. یکی از آن دستورات، همین سخن امام حسن عسکری علیه السلام است که: «بدی‌های دیگران را فراموش کن و خوبی‌های آن‌ها را به خاطر داشته باش».

چراکه انسان‌ها پاک و معصوم نیستند، گاه همسر یا همسایه، یا شریک، یا دوست، یا همکار انسان خطا و لغزشی می‌کند، که باید از اشتباهش چشم‌پوشی کرد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، ح ۴؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۳.

چون اگر لغزش‌های دیگران را فراموش نکرده و به خاطر داشته باشیم، همیشه فکرمان را مشغول کرده، و نتیجه آن عداوت و دشمنی و دوری از هم خواهد بود و دوستی‌ها تبدیل به دشمنی می‌شود، اما اگر برعکس عمل کنیم پیوند دوستی و محبت روزبه‌روز عمیق‌تر و محکم‌تر می‌شود.

انسان نمی‌تواند در دنیا تنها زندگی کند و نیاز به دوست و شریک و همسایه و همکار و همسر و همراه دارد. اگر لغزش‌ها را به خاطر سپرده و خوبی‌ها را فراموش کنیم نمی‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم.

### ترک لجاجت و منت

البته دوستان نیز باید دو نکته را رعایت کنند:

اگر خطا و لغزشی کردند لجاجت نکرده، بلکه عذرخواهی کنند و اگر کار خوبی انجام دادند منت نگذارند.

یک نفر با ما کار می‌کرد و با کمک‌های ما صاحب خانه‌ای شد. روزی گفت: شما چه کاری برای من کرده‌اید؟ گفتم: با کمک ما صاحب خانه شده‌ای. گفت: چرا منت می‌گذاری؟! گفتم: من چه کنم؟ اگر نگوییم، می‌گویی کاری برای ما نکرده‌ای و اگر بگوییم، می‌گویی منت می‌گذاری!

بنابراین سعی کنیم هم خودمان به روایت عمل کنیم و هم به

دیگران سفارش کنیم به آن عمل کنند. همان‌گونه که ما از خداوند  
متعال انتظار داریم خطاهای ما را ببخشد و خوبی‌هایمان را پاداش  
دهد، ما نیز در مورد دیگران همین کار را انجام دهیم.

\*\*\*





### نتیجه ستایش بی جا

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَنْ مَدَحَ غَيْرَ الْمُسْتَحِقِّ فَقَدْ قَامَ مَقَامَ الْمُتَّهَمِ؛ کسی که غیر مستحق مدح را ستایش کند، خودش متهم می شود».<sup>۱</sup>

وقتی که ممدوح (کسی که مورد ستایش قرار می گیرد) استحقاق آن مدح و ثنا را نداشته باشد، معلوم می شود که مداح و ثناگویش دروغ‌گوست یا قصد تملق و چاپلوسی دارد، یا هدفش خودنمایی و ریاکاری است، و یا این که خودش هم آلوده است و می خواهد با تمجید و تبرئه او، خود را تبرئه کند.

### ستایش اشخاص در حضورشان ممنوع

مسئله تعریف و تمجید و مداحی دیگران، در روایات اسلامی

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۸، ح ۴؛ مسند الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۸۹، ح ۶۱.

مورد بحث قرار گرفته،<sup>۱</sup> و به طور ویژه از مداحی اشخاص در حضورشان نهی شده است و در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «إِذَا لَقِيتُمُ الْمَدَّاحِينَ فَاحْصُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ؛ هنگامی که مداحان را می بینید (که بی حساب و کتاب به مدح کسانی که شایستگی ندارند می پردازند) خاک به صورتشان بپاشید».<sup>۲</sup>

تعبیری که در این حدیث آمده نهایت برائت و بیزاری از آنهاست. علت این که مداحی در حضور افراد، حتی اگر واقعی باشد نهی شده، این است که این کار ممکن است منشأ غرور و کارهای خلاف زیادی شود.

در حدیث دیگری می خوانیم: «کسی که دیگری را مدح کند مانند این است که سرش را بریده است».<sup>۳</sup>

### تملق و چاپلوسی

متأسفانه همیشه در اطراف مراکز قدرت، افراد متملق و چاپلوسی بوده اند که عیوب و زشتی های صاحبان قدرت را حسن و نیکی جلوه داده، و در مورد کارهای خوبشان دچار غلو و بزر نمایی می شوند. یک نمونه بارز آنها مفتیان وهابی

۱. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۷۱، باب ۳۵۸۷ به بعد.

۲. همان، باب ۳۵۸۸، ج ۱۸۶۶۹.

۳. همان، ص ۷۲، باب ۳۵۸۹، ج ۱۸۶۷۷ تا ۱۸۶۸۱.

و تکفیری عربستان سعودی هستند، که وقتی حادثه غمبار و کم نظیر مینا اتفاق افتاد و هزاران نفر بر اثر بی کفایتی و سوء مدیریت آل سعود کشته شدند، آن را به قضا و قدر الهی نسبت دادند! و هنگامی که جلادان آل سعود آیت الله نمر باقر النمر را مظلومانه با شمشیر به قتل رساندند، دست به توجیه آن زدند، در حالی که تمام دنیا آن را محکوم کرد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، که معروف به خطبه همام یا متقین است، به تشریح ۱۱۰ صفت از صفات پرهیزکاران پرداخته است. یکی از آن صفات برجسته مرتبط با موضوع بحث ماست. می فرماید:

«إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنِّي بِنَفْسِي؛ هنگامی که کسی یکی از متقین را مدح و ستایش می کند، او می ترسد (از آنچه گفته اند که مبادا فریب بخورد و به خود مغرور شود، و لذا) می گوید: من خود را بهتر از تو می شناسم و خدایم مرا از خودم بهتر می شناسد.

سپس دست به دعا بلند کرده، و می گوید: «اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ خدایا! مرا به خاطر آنچه که این ها می گویند مؤاخذه مکن، و مرا برتر از آنچه که آن ها فکر می کنند قرار بده، و خطاها و گناهانی را که آن ها اطلاع ندارند و مرتکب شده ام، بر من بیخشای.»

خلاصه این که طبق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام باید از مدح  
بی جا پرهیز کرد، تا عوارض آن دامنگیر انسان نشود و در معرض  
اتهام قرار نگیرد.

\*\*\*

## راه زیاد کردن دوستان

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَانَ الْوَرَعَ سَجِيَّتَهُ وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ وَالْحِلْمُ حَلَّتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ؛ هر کس ورع و تقوا خلق و خویش، و کرامت و بزرگواری طبیعتش، و حلم و بردباری اخلاق و رفتارش باشد، دوستانش زیاد می شوند»<sup>۱</sup>.

### ضرورت داشتن دوست

یکی از مسائل مهم، داشتن دوست است؛ چون انسان به تنهایی نمی تواند در مقابل مشکلات مقاومت کند، و همه مردم با کمک دوستان و آشنایان خود قادر به تحمل سختی ها و ناملايمات زندگی هستند، ولذا دوستیابی بسیار مهم است و کتاب های مختلفی تحت عنوان آیین دوستیابی نوشته شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، ح ۴؛ سیره و سخن پیشوایان، ص ۳۲۱، ح ۳۶.

### صفات ضروری دوست

امام حسن عسکری علیه السلام در یک سطر، آیین دوستیابی را به روشنی بیان کرده است، فرمود: برای یافتن دوستان فراوان، تحصیل سه صفت لازم و ضروری است:

#### ۱. ورع و تقوا

انسانِ باورع و متقی دروغ نمی‌گوید، تهمت نمی‌زند، غیبت نمی‌کند، اموال دیگران را نمی‌خورد، آلوده به تظاهر و ریاکاری نمی‌شود، و از دیگر گناهان اجتناب می‌ورزد. چنین انسانی دوستانش زیاد می‌شوند و انسان‌ها میل دارند که با وی طرح دوستی بریزند.

#### ۲. کرامت و بزرگواری

صفت دیگری که سبب می‌شود دوستان انسان زیاد گردد این است که کرم جزء طبیعت انسان شود، نه این‌که گاهی بذل و بخشش داشته باشد و گاهی ترک کند. اگر از بذل و بخشش آنچه دارد مضایقه و کوتاهی نکند دوستانش زیاد می‌شوند.

#### ۳. حلم و بردباری

کسانی که لغزش دیگران را به ذهن می‌سپارند و آن را فراموش

نمی‌کنند موفق به جلب دوستان زیادی نمی‌شوند. اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند که از خطای دیگران گذشت کرد؛ به ویژه اگر طرف عذرخواهی کرده باشد.

### لزوم رعایت اخلاق

رعایت اخلاق اسلامی بسیار مهم است. باید هم خودمان متخلق به آن شویم و هم دیگران را به آن دعوت کنیم، به خصوص روایت مذکور و امثال آن را باید برای دیگران گفت تا همه بدانند رهبران دینی ما ۱۴۰۰ سال پیش در هر موضوعی حرف اول را زده‌اند. قرآن مجید در مورد قصاص می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است؛ آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن».

سپس در ادامه می‌فرماید: ﴿فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ «پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود چیزی به او بخشیده شود (و حکم قصاص تبدیل به خون‌بها گردد، ولی مقتول) باید از راه پسندیده پیروی کند».<sup>۱</sup>

۱. بقره، آیه ۱۷۸.

این که پس از بیان حکم قصاص، دستور به عفو می دهد و از قاتل تعبیر به برادر می کند، رحمت اسلامی و رعایت اصول اخلاقی را نشان می دهد.

یعنی در عین حال که قصاص لازم و ضروری است و اگر این حکم الهی نباشد ریختن خون بی گناهان در جامعه زیاد می شود، اما با توجه به عوارضی که این کار دارد و ممکن است سبب کینه ها و کدورت ها شود و حوادث دیگری در آینده رقم بزند، سفارش به عفو و بخشش شده است تا از آن عوارض جلوگیری گردد.

\*\*\*



### برخی از اقدامات امام زمان (عج) پس از ظهور

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَذِهِ الْمَنَائِرِ وَ الْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ؛ هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند دستور می دهد مناره ها و مقصوره های مساجد را از بین ببرند»<sup>۱</sup>.

#### مناره ها!

«مناره» از ماده «نور» است و هدف از آن یافتن آدرس هاست. برج های مرتفعی در دریا و خشکی ها ساخته می شد و بر فراز آن چراغی روشن می کردند تا مسافران دریا و خشکی گم نشوند. مناره های مساجد نیز همین خاصیت را داشته و دارد. هر مسافری وارد هر شهری شود با دیدن مناره ها، به سوی مسجد هدایت می شود؛ ولی بعداً تبدیل به زینت شد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۱، ح ۳؛ سفینة البحار، ج ۱، ص ۲۴۳.

این روایت اصل مناره را نفی نمی‌کند، چون مناره، به ویژه در زمان صدور روایت، یک ضرورت محسوب می‌شده است. پس مناره‌هایی که دارای زرق و برق است و اسراف در آن نفوذ کرده ویران می‌شود، وگرنه چیزی را که وسیله شناخت مسجد از دیگر ساختمان‌ها باشد و آدرس مسجد محسوب شود، امام زمان (عج) از بین نمی‌برد.

### مقصودها!

در صدر اسلام ائمه جماعات به صورت طبیعی و عادی در کنار مردم نماز می‌خواندند، اما هنگامی که خوارج در مسجد به معاویه (لعنة الله عليهم) حمله کردند و به او ضربه‌ای زدند، معاویه احساس ناامنی کرد و دستور داد اطاقکی ساخته شود تا امام جماعت در آن جا ایستاده و مردم پشت اطاقک به وی اقتدا کنند، تا از حمله‌های احتمالی در امان باشد. این اطاقک‌ها را مقصوده می‌نامند. از نظر فقه شیعه بین امام و مأموم نباید چیزی فاصله شود، ولذا هنگامی که حضرت حجّت علیه السلام ظهور کند دستور ویرانی چنان اطاقک‌هایی را می‌دهد.

### مسجد مطلوب

آنچه ذکر شد تفسیر اجمالی روایت است. اما به طور کلی،

مساجد باید جای فکر و ذکر و حضور قلب باشد، ولذا هرچه که ذهن انسان را مشغول کند و مانع حضور قلب شود، نباید در مساجد وجود داشته باشد و به همین علت طلاکاری مساجد حرام است<sup>۱</sup> و نصب تصاویر و عکس‌ها هرچند در سمت قبله نباشد کراهت دارد؛<sup>۲</sup> حتی عکس شهدا و علما و بزرگان.

این‌که گفته شده درمقابل در باز، و محل عبور و مرور مردم و مانند آن نماز نخوانید<sup>۳</sup> به دلیل این است که در این مکان‌ها حضور قلب وجود ندارد. آری، مساجد جای حضور قلب، محل ذکر و فکر، و مکان بیداری و هوشیاری است و هر چیزی که مانع این امور باشد، از نظر اسلام ناپسند است، ولذا مساجد هرچه ساده‌تر باشد مطلوب‌تر است.

### ساده‌زیستی

درضمن، این روایت، به یک معنا مسلمانان را به ساده‌زیستی دعوت می‌کند. هرچه زندگی ما ساده‌تر باشد به خداوند نزدیک‌تر و از شیطان دورتر می‌شویم و هرچه تشریفاتی شود از خداوند دورتر و به شیطان نزدیک‌تر می‌شویم؛ چراکه زندگی ساده را می‌توان درست اداره کرد، اما زندگی پرزرق و برق چنین نیست.

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۷۷، مسئله ۹۰۸.

۲. همان.

۳. رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۷، مسئله ۸۲۱.



## نماز شب، سکوی پرش به سوی خدا

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ؛ رسیدن به خداوند و قرب الی الله مستلزم سفری است که بدون عبادت شبانه حاصل نمی شود».<sup>۱</sup>

### امتیازات نماز شب

همان‌گونه که از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»<sup>۲</sup> استفاده می شود همه ما انسان‌ها در حال انجام یک سفر هستیم.

روایت فوق نیز ضمن تأیید این سفر، تأکید می‌کند که قرب الی الله تنها با اقامه نماز شب امکان‌پذیر است، چراکه نافلة شب امتیازاتی دارد که سایر نوافل ندارد:

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰، ح ۴؛ مسند الامام العسکری، ص ۲۹۰، ح ۷۰.  
 ۲. انشقاق، آیه ۶؛ ترجمه: «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد».

اولاً: نشاط خاصی دارد؛ چون با استراحتی که انسان کرده، خستگی‌های روزانه برطرف شده و با انرژی خاص و علاقه ویژه‌ای به این عبادت می‌پردازد.

ثانیاً: مشغله‌هایی که هنگام عبادت روزانه وجود دارد، در دل شب نیست. نه تلفنی، نه مراجعه‌ای، نه گفتگویی و نه سروصدایی، بلکه تنها و تنها، و به دور از همه عوامل تفرقه حواس، به عبادت خداوند می‌پردازد.

ثالثاً: نافلة شب به دور از هرگونه ریاکاری و خودنمایی است و نتیجه همه این‌ها، حضور قلب است که جان عبادت محسوب شده، و پرورش‌دهنده روح آدمی است.

### مقام محمود

تعبیر قرآن مجید را فراموش نکنیم که حتی در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که کامل‌ترین و برترین انسان و گل سرسبد همه موجودات عالم است، می‌فرماید:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»؛ «و پاسی از شب را برخیز، و قرآن (و نماز) بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برساند».<sup>۱</sup>

۱. اسراء، آیه ۷۹.

یعنی پیامبر اسلام ﷺ نیز اگر خواستار مقام محمود است، باید نافله شبانه بخواند. خوشا به حال کسانی که هر شب توفیق انجام نماز شب و استفاده از آن فضای روحانی و ملکوتی را دارند، و اگر برخی افراد همه شب نمی‌توانند برای نافله شب برخیزند، حداقل هفته‌ای یکی دو شب برخیزند و از این فیض بزر بهره‌مند شوند.

### چگونه نیمه شب از خواب برخیزیم؟

سؤال: دوست داریم برخیزیم، اما خواب به ما اجازه این کار را نمی‌دهد، چه کنیم؟

جواب: اگر شب‌ها زودتر بخوابید، و غذای سبک‌تری میل کنید، و نوشیدنی کمتری بنوشید، به راحتی بر خواب غلبه می‌کنید و موفق به درک این عبادت مهم خواهید شد.

اهل علم پس از اقامه نافله شب می‌توانند روی اشکالات درسی و علمی فکر کنند که بهترین زمان برای حل آن است. سعی کنید این عبادت ارزشمند را ترک نکنید و جوانان را نیز نسبت به آن سفارش نمایید.

\*\*\*





## خودت و دیگران را به یک چشم نگاه کن

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «كَفَاكَ أَدَبًا تَجَنُّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ برای ادب همین بس که آنچه را از دیگران نمی‌پسندی، بر دیگران روا نداری.»<sup>۱</sup>

### حُبِّ الذَّاتِ

انسان حسنی دارد به نام حُبِّ ذات، که براساس همین حس، به خودش، سرنوشتش، فرزندانش، اموالش، کشورش و مانند آن‌ها علاقه دارد. همه این علاقه‌ها و دوستی‌ها، شاخ و برگ حُبِّ ذات است. خداوند متعال این حس را در وجود انسان به ودیعت گذاشت تا حافظ او، و موجب ترقی و تکاملش گردد. اگر این علاقه و حس نباشد، انسان سختی تحصیل و تجارت و تلاش و کار را بر خود هموار نمی‌کند.

۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۴۰۷، ح ۱۱۵؛ مسند الامام العسکری، ص ۲۸۸، ح ۴۹.

درحقیقت حبّ ذات موتوری است که انسان را به حرکت درمی آورد. اما اگر این حسّ افراطی باشد زیانهای مهمّی به دنبال خواهد داشت، ازجمله این که سبب می شود عیوب خود را نبیند، یا حتّی آن‌ها را خوبی بیندارد، یا درمورد دیگران هر کاری که مایل بود انجام دهد، اما آن کارها را درمورد خود نپسندد، و این بسیار خطرناک است. آری، این که انسان خود و دیگران را به دو چشم ببیند خطرات بزرگی برای خود او و جوامع انسانی دارد. بسیاری از مصائب و مشکلات دنیا به این دلیل است که خود و دیگران را به یک چشم نگاه نمی کنیم.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «آنچه را برای خودت خوشایند نمی دانی نسبت به دیگران انجام نده» یعنی خودت و دیگران را به یک چشم ببین.

### چگونه بهشتی شویم؟

روایات دیگری شبیه روایت مورد بحث از دیگر معصومین علیهم السلام داریم<sup>۱</sup> مثلاً در حدیثی آمده است: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب شده و عازم غزوه ای بود، که عربی مهار ناقه اش را گرفت و عرض کرد: «عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ؟» ای رسول خدا! کاری به

۱. مرحوم علامه مجلسی این روایات و روایات هم مضمون با آن را در «بحار الانوار»، ج ۷۵، ص ۲۴ به بعد، باب الانصاف و العدل جمع آوری کرده است.

من تعلیم بده که با انجام آن بهشتی شوم. (شاید عده‌ای اعتراض کرده باشند که اکنون که پیامبر ﷺ عازم میدان جنگ است چه وقت سؤال و پرسش است، اما نظر حضرت این نبود، ولذا) فرمود: «مَا أَحْبَبْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأْتِهِ إِلَيْهِمْ وَمَا كَرِهْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ؛<sup>۱</sup> آنچه را دوست داری مردم درمورد تو انجام بدهند، درمورد آن‌ها انجام بده، و آنچه را دوست نداری درمورد تو انجام دهند، درمورد آن‌ها ترک کن». سپس فرمود: مهار ناقه را رها کن! یعنی عمل به همین دستور سبب بهشتی شدن می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ راهکار بهشتی شدن را در دو جمله بیان کرد. اگر دوست داری مردم به تو احترام بگذارند تو هم به دیگران احترام بگذار. اگر علاقه‌مندی که دیگران مراعات حال تو را کنند، تو هم رعایت حال دیگران را بکن. اگر دوست نداری دیگران به ناموست نگاه کنند، تو هم به ناموس دیگران نگاه نکن. اگر دوست نداری دیگران به تو زخم زبان بزنند، تو هم زخم زبان نزن. اگر دوست نداری دیگران عیوب پنهانی‌ات را افشا کنند، تو هم زبان از غیبت دیگران فرو بند.

\*\*\*

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶، ح ۳۱.



## فهرست منابع و مآخذ

۱. القرآن الکریم؛ با ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، مرحله نهم، سال ۱۳۸۹ ش.
۲. آداب معاشرت در اسلام؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تهیّه و تدوین: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات صفحه نگار، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۱ ش.
۳. الاحتجاج؛ احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی به، باشراف: العلامة الاستاذ جعفر سبحانی، انتشارات اسوه، قم، چاپ سوم، سال ۱۴۲۲ ق.
۴. اخلاق در قرآن؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱ ش.
۵. الاصول من الکافی؛ محمّد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی، دار صعب و دار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۱ ق.
۶. اعلام الدین فی صفات المؤمنین؛ حسن بن ابی الحسن الدیلمی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴ ق.
۷. امثال و حکم؛ علی اکبر دهخدا، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پانزدهم، سال ۱۳۸۸ ش.
۸. انقلاب چین؛ بهزاد شاهنده، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۰ ش.
۹. البرهان فی تفسیر القرآن؛ سید هاشم حسینی بحرانی، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ ق.

۱۰. تحقیقی پیرامون نماز باران؛ ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات نسل جوان، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۹ ش.
۱۱. توضیح المسائل مراجع؛ سید محمدحسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۶ ش.
۱۲. بحار الانوار؛ علامه محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳ ق.
۱۳. به یاد معلم؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تهیّه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۳ ش.
۱۴. پیام قرآن؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۳ ش.
۱۵. تحف العقول؛ علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ هشتم، سال ۱۴۲۹ ق.
۱۶. تفسیر القمّی؛ علی بن ابراهیم القمّی، مؤسسه دارالکتاب للطباعة والنشر، قم، چاپ اول، بی تا.
۱۷. تفسیر نمونه؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پنجاه و دوّم، سال ۱۳۸۶ ش.
۱۸. تقیّه و حفظ نیروها؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، مترجم و محقق: سید محمد جواد بنی سعید لنگرودی، انتشارات علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۴ ش.
۱۹. جایگاه عقلانیت در اسلام؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تهیّه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۱ ش.
۲۰. دیوان المتنّبی؛ ابوالطیب المتنّبی، شرحه و ضبطه و علق علیه: علی العسلی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۲۵ ق.

۲۱. الذریعه الى تصانیف الشیعه؛ آقابزرگ تهرانی، داراضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. رساله توضیح المسائل؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ شصت و یکم، سال ۱۳۹۳ ش.
۲۳. زندگی پرمآجرای نوح علیه السلام؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تهیی و تنظیم: ابو القاسم علیان نژادی، انتشارات نجفی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۱ ش.
۲۴. سخن تاریخ؛ صاحب امتیاز: جامعه المصطفی العالمیه، ناشر: مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۷ ش.
۲۵. سفینه البحار؛ شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، تهران، چاپ اول، سال ۱۴۱۴ ق.
۲۶. سیره چهارده معصوم علیهم السلام؛ محمّد محمّدی اشتهاردی، نشر مطهر، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ ش.
۲۷. سیره و سخن پیشوایان؛ محمّد علی کوشا، انتشارات حلم، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۴ ش.
۲۸. صحیح مسلم؛ مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، سال ۱۳۷۴ ق.
۲۹. عاشورا، ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها؛ زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، محققان: سعید داودی و مهدی رستم نژاد، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۷ ش.
۳۰. القواعد الفقهیة؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۷ ق.
۳۱. القول السدید فی شرح التجرید؛ سید محمّد حسینی شیرازی، مطبعة سید الشهداء، قم، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱ ق.
۳۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ علامه حلّی، مکتبة المصطفوی، قم، چاپ اول، بی تا.

۳۳. المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء؛ مولی محسن کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، بی تا.
۳۴. مختصر تاریخ دمشق لابن عاکر؛ محمّد بن مکرّم، دارالفکر، دمشق، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.
۳۵. المراقبات؛ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ترجمه: ابراهیم محدّث، نشر اخلاق، قم، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۸۸ ش.
۳۶. مسند الامام العسکری؛ عزیزالله عطاردی، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ ق.
۳۷. مسند الامام احمد حنبل؛ احمد حنبل دار صادر، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۳۸. مقتل امام حسین علیه السلام و یاران؛ حاج شیخ عباس قمی، مترجم: علی نظری منفرد، انتشارات سرور، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷ ش.
۳۹. منتهی الآمال؛ حاج شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، قم، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۴ ش.
۴۰. میزان الحکمة؛ محمّد ری شهری، دارالحديث للطباعة والنشر، بیروت، چاپ ششم، سال ۱۴۳۳ ق.
۴۱. نخستین آفریده خدا؛ آیت الله العظمی مکارم شیرازی، گردآوری و تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۴ ش.
۴۲. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده؛ محمّد جعفر امامی و محمّد رضا آشتیانی، زیر نظر آیت الله العظمی مکارم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۸۱ ش.
۴۳. نهج الفصاحة؛ ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۴ ش.
۴۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیّه؛ محمّد بن الحسن الحرّ العاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۱ ش.